

اعتصاب صد هزار نفری در نیکاراگوئه  
 و عقب نشینی دولت چامورو ۱۸

۱۳  
 واپس: مهندکنولوژی، توده عظیمی در آن سوی مرزفرونبستی!

کوشه حاشی از اعترافات ۲۰  
 رژیم در قبال زلزله اخیر!

مباحثه با عضو سازمان عفو بین المللی آلمان  
 بهرامون قرارداد شکن ۱۰

مرکز اطلاعاتی هامبورگ، امکانی برای پناهندگان ۲۳

وزیر اقتصادی آلمان غربی، کارگران آلمان شرقی  
 را به استثمار بیشتر فراخواند! ۲۳

۱۵  
 زن در بارگه اسلام (۲)

نامه هلی رسیده ۲۶  
 اخبار ایران، پناهندگان و جهان ۳۱

تحولات اخیر در

درون سلطنت طلبان و طیف توده ای!

مقدمه

هنگامی که فرد یا جریانی به بررسی حطوشی سیاسی و عملکرد جریانات مختلف درون اپوزیسیون می پردازد و خود را ناگزیر می بیند به افشای بی امان برخی از این جریانات دست بزند، گاهی اوقات از سوی عناصری با این استدلالات عجیب روبرو می شود که " اکنون باید همه تبلیغات را متوجه جمهوری اسلامی کرد"، " اگر جریانی را افشا کنید، جمهوری اسلامی شاد می شود" و " اگر آن جریان سیاسی که با آن برخورد می شود از قماش مجاهدین خلق باشد، بسیاری اوقات هواداران آن پا فراتر گذاشته و فریاد بر می آورند: " افشاکری بر علیه مجاهدین یعنی همسویی و همدستی با رژیم جمهوری اسلامی!!"

در حالی که بدون پرداختن به اختلافات سیاسی ۲

گسترش دامنه اعتصابات  
 کارگری ایران، در سه ماهه آخر سال ۶۸

قرارداد شکن، محدودیت عبور از مرزهای اروپا  
 و تضییق حقوق پناهندگان

هنگامی که نشریاتی از قماش " کیهان لندن"، " قیام ایران" " اکثریت"، " راه ارانی" و " ۰۰۰" را ورق می زنیم، در آنها یا هیچ اشاره ای از مبارزات و اعتصابات کارگری نمی یابیم و یا این اشارات چنان کم رنگ و حاشیه ای اند که در انبوهی از مطالب دیگر از قبیل " نامه سرگشاده مهندس بازرگان و یاران او"، " سخنرانی ها و بیانیه های رضا پهلوی، اختلاف بین ارتش و سپاه، در گذشته هایده" خواننده شهیر و محبوب ایران" و " ۰۰۰" مدفون شده اند، به این ترتیب تصویری وازگونه و غیر واقعی از واقعیات جامعه ایران و اعتراضات و مبارزاتی که در این جامعه جریان دارد، ارائه می گردد و به خواننده چنین القا می شود که گویا مهمترین و ۱۱

همانطور که می دانیم و خبر آن در نشریه پویش شماره ۸ نیز انتشار یافت، در تاریخ ۱۹ ژوئن قرار داد شکن بین کشورهای آلمان، فرانسه، هلند، بلژیک و لوگزامبورگ به امضا رسید. قول داده بودیم در این شماره نشریه خوانندگان پویش را قدری بیشتر در جریان محتوی این قرارداد و کلا " عواقب بعدی آن برای ما پناهندگان و مهاجرین قرار دهیم". در این مقاله سعی شده ضمن برآوردن این مهم، به سیاستهای دول بازار مشترک و اقدامات آنان در مورد مسئله پناهندگی نیز اشاره گردد.



امضاء کنندگان کنوانسیون پناهندگی ژنو، متعهد شده اند ۸

مرکز بر رژیم جمهوری اسلامی - زنده باد انقلاب

تحولات اخیر در درون سلطنت طلبان و طیف توده ای

دمکرات مابیی سلطنت طلبان

هر کمر که کم و بیش پیامها و صاحبها و سخنرانهای رضا پهلوی و محافل سلطنت طلب را شنیده یا خوانده باشد و یا مقالات و نوشته های کیهان لندن - معتبرترین ارگان سلطنت طلبان - را از نظر گذراند، باشد، می داند که در ماههای اخیر سلطنت طلبان بسیار بیش از گذشته زست آزاد خواهی بخود گرفته و سنگ حاکمیت مردم را به سینه می زنند اما علت این امر چیست؟

واقعیت این است که تظا هر به دمکرات مابیی از جانب سلطنت طلبان بویژه از زمانی به صورت یک خط مشی حساب شده در آمد که با تصمیم دولت آمریکا مبنی بر حمایت از دولت رفسنجانی از یکسو و ابراز

سلطنت طلبان به دمکرات مابیی بررسی گردیده و جنبه های از استبداد و دیکتاتوری در زمان سلطنت پهلوی شمرده می شود. سپهر اشاره ای داریم به شکل گیری سوسیال دمکراسی وطنی و اینکه چرا سوسیال دمکراسی ایران تنها کاریکاتوری از سوسیال دمکراسی اروپاست و در همه جنبه ها حتی از سوسیال دمکراسی اروپا نیز به مراتب عقب ماند تر است. پس از آن با اشاره به این امر که سوسیال دمکراتهای وطنی رودر بایستی ها را کنار گذاشته و زمینه را برای ائتلاف و زد و بند بسا جریانات رسوایی نظیر سلطنت طلبان آماده می کنند، به این واقعیت پرداخته می شود که بیانیه ۱۴ ماده ای رضا پهلوی بیان شعارها و حواسته های سوسیال دمکراتهای وطنی نیز هست و ایشان در این بیانیه علاوه بر نامه خود را یافته اند، و چیزی فراتر از آن - نمی توانند ارائه دهند. در بخش پایانی مقاله نیز

درون اپوزیسیون، بدون شناخت از خط و مشی سیاسی مطالبات و شعار های مختلف نیروهای مخالف جمهوری اسلامی و بدون تشخیص دوستان و دشمنان مردم، امکان اینکه در يك برآمد توده ای بر علیه جمهوری اسلامی دوباره يك جریان سرکویگسرو بورژوازی از فرصت استفاده نموده، در را س جنجش قرار گیرد و انقلاب را به شکست بکشاند، بسیار افزایش می یابد.

دوران " همه با هم " و " بحث بعد از مرگ شاه " خمینی سالهاست سپری شده و اینک می بایست با چشمان بازتری جریانات مختلف درون اپوزیسیون را مورد ارزیابی و شناخت قرار داد، سابقه و پیشینه سیاسی آنها را در نظر داشت، شعارها و ادعاهای ایشان را با ملاک عملکرد شان سنجید و تصویر روشنی از نیروهای تشکیل دهنده اپوزیسیون جمهوری اسلامی

بدون پرداختن به اختلافات سیاسی درون اپوزیسیون، بدون شناخت از خط و مشی سیاسی مطالبات و شعار های مختلف نیروهای مخالف جمهوری اسلامی و بدون تشخیص دوستان و دشمنان مردم، امکان اینکه در يك برآمد توده ای بر علیه

تمایل برخی از نمایندگان پارلمان اروپا و نیز کنگره آمریکا از سازمان مجاهدین خلق از سوی دیگرا، سلطنت طلبان از تنها نیرویی که به خیال ایشان می توانست آنان را دوباره بر اریکه قدرت بنشانند یعنی از امپریالیستها به میزان زیادی ما یورو دلچرکیسن شدند. از نظر داخلی نیز پراز مدت کوتاهی امید های زود گذری که در میان برخی از محافظل سلطنت طلبان برای بند و بست با دولت رفسنجانی بوجود آمده بود به کلی از بین رفت. (۱) از آن پس سلطنت طلبان خط مشی جدیدی اتخاذ نموده و تصمیم گرفتند علاوه بر تکیه به امپریالیسم، حساب اعتباری نیز در بانک مردم بکشایند!

به این ترتیب هر چه امید سلطنت طلبان از ترتیب یافتن يك کودتای احیای سلطنت با کمک امپریالیستها کمتر می شود، آنان بیشتر به فکر جلب حمایت مردم ایران می افتند و هر چه ضرورت جلب اعتماد مردمی که زهر استبداد و سرکوب سلطنتی را چشیده اند بیشتر احساس می گردد، سلطنت طلبان خود را

برخی اقدامات عملی در جهت نزدیکی و همکاری های بیشتر سوسیال دمکراتهای وطنی با دارودسته های نظیر جمهوری خواهان ملی و سلطنت طلبان بر شمرده می شود.

مقد مقاله حاضر ارائه طرح عمومی از سمت گیریهای سیاسی عام در درون سلطنت طلبان و سوسیال دمکراتهای وطنی است. با توجه به این هدف و در چهار چوب يك مقاله کوتاه طبیعتا نمی توان به بررسی تفصیلی مابیی تئوریک نظری هر يك از جریانات فوق پرداخت. تنها در جاهایی که ضرورت آن بیشتر احساس شده، اشاراتی به مابیی تئوریک نظری آنها گردیده است.

امید داریم در آینده با همکاری و مشارکت رفقها و دوستان صاحب نظر و مطلع بتوان در این باره بحثهای جامع تر و همه جانبه تری را ارائه داد.

بدست آورد. زیرا تنها بدین گونه است که می توان مبارزه آگاهانه تر و هدفمندتری را بر علیه جمهوری اسلامی پیش برد.

در راستای همین هدف است که می باید در روندی که در ماههای اخیر در اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج کشور در جریان است را مورد بررسی قسرار دهیم. یکی از این روند ها، روند تظا هر به دمکرات مابیی سلطنت طلبان است که بیانیه ۱۴ ماده ای رضا پهلوی نقطه عطفی در آن به شمار می رود. و دیگری روند خریدن بخشهای عمده طیف توده ای به زیر پرچم " حقوق بشر"، " دمکراسی" و " حاکمیت ملی" - است که در این میان کنار گذاشتن رودر بایستی ها، مراد و بدهستان با جریانات رسوا و سرکویگر دیگر (از قبیل جمهوری خواهان ملی و سلطنت طلبان) و روی آوری این طیف به کرایش سوسیال اروپا نقطه عطفی به حساب می آید.

در مقاله حاضر ابتدا مختصرا دلایل تظا هر

تحولات اخیر در درون سلطنت طلبان و طیف توده ای

قدرت نیز سلب کرده بود. این رژیم در سالهای آخر حیات مویر حتی همان ظاهر سازی های مربوطه به وجود احزاب کوناگون را نیز کنار گذاشته و همه مردم را به عضویت اجباری در یک " حزب واحد فراگیر " یعنی حزب رستاخیز وادار می ساخت.

در این رژیم نیز درست مانند جمهوری اسلامی کارگران و توده ستندیده از حق اعتصاب و تشکل محروم بودند و هر اعتراضشان به خون کشیده می شد.

در رژیم سلطنتی جنبشهای ملی در آذربایجان و کردستان به شکل وحشیانه و خونینی سرکوب گردید و ستم ملی بر ملتهای غیر فارسی و تحقیر ملت ها به گونه همه جانبه ای! اعمال می شد.

علاوه بر اعمال ستم بر ملتهای ایران، رژیم شاه در نقش زانداره منطقه در سرکوب اعتراضات و جنبش های سایر ملتهای منطقه از جمله مردم ظفار نیز تفرقهائی داشت.

سلب حقوق فردی و اجتماعی، کارگشتگی دستگاه

بیشتر نیازمند تظاهر به دمکرات نشی و دم زدن از حاکمیت و راهی مردم می یابند.

بدین گونه است که رضا پهلوی وارث ۲۵۰۰ سال ستم شاهی در ایران و کسی که هنوز هم طرفدارانش " شهروندان ایران " می نامند نش، هر روز سینه جاک تر از دیروز به طرفداری از " حق حاکمیت مردم " و " دمکراسی " و بر علیه " استبداد " شعار می دهد. اما هرگز که به وعده های فریبنده امثال رضا پهلوی دلخوش نکند و پیشینه تاریخی و عملکرد حکومت سلطنتی را ملاک قرار دهد، در می یابد که رژیم پهلوی مرزهای دیکتاتوری متعارف را در نوردیده میبود و یکی از سرکوبگرترین رژیم ها در نوع خود بود.

در این رژیم قانونگذار و مجری واقعی قانون شخص شاه بود و از این زاویه اختیارات شاه دست کسی از اختیارات ولایت فقیه نداشت. در این رژیم نه تنها

واقعیت این است که تظا هر به دمکرات مابسی از جانب سلطنت طلبان بویژه از زمانی به صورت یک خط مشی حساب شده در آمد که با تصمیم دولت آمریکا مبنی بر حمایت از دولت رفسنجانی از یکسو و ابراز تمایل برخی از نمایندگان پارلمان اروپا و نیز کنگره آمریکا از سازمان مجاهدین خلق از سوی دیگر، سلطنت طلبان از تنها نیرویی که به خیال ایشان می توانست آنان را دوباره براریکه قدرت بنشانند یعنی

از امپریالیستها به میزان زیادی مایوس و دلچرکیکن شدند. از نظر داخلی نیز پس از مدت کوتاهی امید های زود گداری که در میان برخی از محافظان سلطنت طلبان برای بند و بست با دولت رفسنجانی بوجود آمده بود به کلی از بین رفت. (۱) از آن پس سلطنت طلبان خط مشی جدیدی اتخاذ نموده و تصمیم گرفتند علاوه بر تکیه به امپریالیسم، حساب اعتباری نیز در بانک مردم بگشایند!

امنیتی در سرکوب مخالفین و به کارگیری گسترده سانسور و تفتیش عقاید تحت رژیم سلطنتی نیز که شهره آفاق است و نیازی به توضیح ندارد.

و اینک داعیه آزاد یخواهی و دمکراسی طلبی رضا پهلوی فردی که خود را وارث قاج و تخت جنبش رژیم سرکوبگری می داند، پوش فلک را کر کرده است!

با این حال این امر که بید جریان سرکوبگر و بورژوازی دمکراسی و آزادی می زند، به هیچوجه چیز تازه ای نیست. برعکس تاریخ جهان بارها و بارها شاهد بوده است که نمایندگان طبقات دارا برای فریب توده مردم و برای اینکه ضایع خود را بسه

مجلسین شورای ملی و سنا به صورت دکور در آمده بودند و وظیفه شان این بود که تصمیمات از قبیل اتخاذ شده را تأیید کنند، بلکه از نظر قانونی نیز نمی از نمایندگان مجلس سنا بوسیله شاه منتصب می شدند و مجلس سنا حق داشت تصمیمات مجلس شورای ملی را وتو کند. تازه این حد از محکم کاری نیز برای استبداد سلطنتی کافی نبود و به همین جهت شاه از این اختیار قانونی نیز برخوردار نبود که هر وقت لازم دانست هر دو مجلس را منحل نماید!

رژیم سلطنتی علاوه بر کارگران و طبقات زیر دست، حق ابراز آزادی عقاید را از نمایندگان بورژوازی خارج از

را به مراحم و نیات انسال دوستانه " شاه جوان دمکرات " آن زمان ( یعنی محمد رضا شاه ) امیدوار می ساخت. محمد رضا شاه با پر آزاد یخواهی و دمکرات نشی وارد صحنه سیاست شد و در سال ۱۳۲۰ دمکراسی را ضامن ترین حکومتی می نامید که " هر روز موجدت ملی و ترقی است " و آزادی گفتار و کردار را " تنها شرط سابقه در راه ترقی " عنوان می کرد. (۲) با این حال همه اینها مانع نتند که یکی از مخوف ترین دیکتاتورها را بر ایران حاکم گرداند. خمینی قبل از به قدرت رسیدن بسویژه در صاحب هایش پنا نشریات خارجی اظهار می داشت که دمکراسی غریبی ناقص است و بنیاد آنه وعده دمکراسی

همه ما می‌دانیم که رضا خسان با ادعای جمهوری خواهی و تجدید طلبی به میدان آمد و یک دیکتاتوری سیاه بیست ساله را بر ایران حاکم گردانید. در سال ۱۳۲۰ دولت محمد علی فروغی برای نجات کسل سلطنت و عده یک رشته اصلاحات اجتماعی، آزادیهای مندرج در قانون اساسی و دموکراسی می‌داد و ملت را به مراحم و نیات انسان دوستانه "شاه جوان دمکرات" آن زمان (یعنی محمد رضا شاه) امیدوار می‌ساخت. محمد رضا شاه با پزیرشده آزادیخواهی و دمکرات منشی وارد صحنه سیاست شد و در سال

۱۳۲۰ دموکراسی را مناسبترین حکومتی می‌نامید که "پرونده وحدت ملی و ترقی است" و آزادی گفتار و کردار را "تنها شرط مسابقه در راه ترقی" عنوان می‌کرد. (۲) با این حال همه اینها مانع نشد که یکی از مخوفترین دیکتاتوریها را بر ایران حاکم گرداند. خمینی قبل از به قدرت رسیدنش بویژه در مصاحبه‌هایش با نشریات خارجی اظهار می‌داشت که دموکراسی غربی ناقص است و شاید آنه وعده دموکراسی همه جانبه‌تری را می‌داد!

همه جانبه‌تری را می‌داد! و دهها نمونه دیگر.

تمامی این شواهد تاریخی و سابقه دیکتاتوری سیاه سلطنتی، آن قدر سلطنت طلبان را رسوا کرده است که حنای دموکراسی طلبی امروزین شان رنگی نداشته باشد.

### شکل گیری سوسیال دموکراسی وطنی

امروز بخش وسیعی از جریانی که قبلاً در حزب توده فعالیت داشتند و یا آن را به عنوان "حزب طراز نوین" به رسمیت می‌شناختند، محظورات و رودر بایستی‌ها را کنار گذاشته و خود را بیشتر به کسریای سوسیال دموکراسی اروپایی نزدیک می‌کنند.

در میان این بخش که البته اجزای گوناگون آن یک دست نیستند و در درون خود اختلافاتی نیز دارند، آنهایی که روراستتر و صریح تر حرفشان را می‌زنند عبارتند از "حزب دمکراتیک مردم ایران" به رهبری بابک امیر حسروی یعنی جریانی که در سال ۱۳۶۶ از حزب توده جدا شد و "سازمان فعالان خلق ایران" به رهبری کنگر. علاوه بر دو جریان مذکور در میان "سازمان فعالان خلق ایران" (اکثریت)، "حزب توده" و "حزب دمکرات کردستان ایران" نیز کرایشاتی قوی به اصطلاح سوسیال دمکرات وجود دارد.

بی شک مهمترین عاملی که باعث روی آوری این بخش به گرایش‌های سوسیال دمکراتیک شد، بن بست

سیاسی-اجتماعی احزاب برادران ایران در کشورهای اروپای شرقی و بخصوص در شوروی و تحولات متعاقب آن در این کشورها بود.

طیف توده‌ای که کشورهای اروپای شرقی را سوسیالیستی می‌دانست، نظام اجتماعی سیاسی در این کشورها را الگوی خود قرار داده بود، داعیه به هم خوردن توازن قوا در سطح جهانی به نفع باصطلاح "اردوگاه سوسیالیسم" را داشت و پیروزی انقلاب مورد نظرش در ایران را تابعی از کمک‌های "احزاب برادر" به ایران در جهت "راه رشد غیر سرمایه‌داری" می‌کرد، با بن بست سیاسی-اجتماعی کشورهای اروپای شرقی و تحولات متعاقب آن آچیز شد. از این پس این طیف همچون سایر احزاب برادر خویش دچار بحران هویت گردید و به یک باره چشم انداز واقع سیاسی خویش را از دست داد و از متحدین خود نیز تا حدی جدا شد. بسیاری از این طیف‌ها، یوسر شدند.

بدین گونه بود که بخش‌های وسیعی از طیف توده‌ای تحت عنوان "نواندیشی"، "آزاداندیشی" و "فکرکنار گذاشتن محظورات و عبارت برداری های دست و پا گیر افتادند، مقولاتی چون دیکتاتوری پرولتاریا، ضرورت انقلاب قهری و تعلق حزب به یک طبقه خاص را حتی در صحبت و تظاهر نیز کنار گذاشتند (۳) و در عرصه داخلی نیز به الفاظ "دموکراسی"، "حکومت قانون" و "حقوق بشر" روی آوردند.

هنگام بررسی نظرات سوسیال دمکراتهای وطنی باید توجه داشت که نظرات آنان خام و جا نیفتاده

است و باید با ذربین به دنبال "مبانی اندولوزید" ایشان کنت و هر تکه پاره‌ای از آن را در نوشته‌های پراکنده و صاحب‌های آنها جستجو کرد. با این حال این نظرات نامسجم و نا پخته جهت گیری و سمت و سوی معینی ندارند و اثر صویات گنگره هجد هم احزاب سوسیال دمکرات در سال ۱۹۸۹ (۴) را با صاحب‌ها و نوشته‌های سوسیال دمکراتهای وطنی مقایسه کنیم، در می‌یابیم که نظرات دومی‌ها شکل خام و ابتدایی نظرات اولی‌هاست. (۵) واقعیت این است که سوسیال دمکراتهای وطنی برخلاف ادعاهایشان نه تنها هیچ اندیشه نوینی ارائه نداده‌اند بلکه از نظر استحکام در استدلال و انسجام در اندیشه گامها از سوسیال دمکراسی اروپا عقب تر هستند.

ارزیابی تاریخ سوسیال دموکراسی اروپا محبت سترده‌ای است که طبعاً "بررسی مستقل و جداگانه ای را می‌طلبد و از حوصله این مقاله خارج است. در این جا تنها به این امر اشاره می‌کنیم که تاریخ سوسیال دموکراسی اروپا با جنایت، همدستی با طبقات حاکم و پشت کردن به صالح طبقه کارگر و استثمار شدگان جامعه در آمیخته است.

ناسیونالیسم افراطی و شوینیسم سوسیال دمکراتها در جنگ جهانی اول و تبلیغ "دفاع از میهن" در گوشت دم توب شدن کارگران در جبهه‌های جنگ از یکسو و پدید آوردن چند دستگی و خصومت در صفوف کارگران اروپا از سوی دیگر، نقیض بزرگی ایفاء کرد. در دسامبر ۱۹۱۸ وزارت سوسیال دمکرات ابرت و شاید مان برای تیراندازی

## تحولات اخیر در

درون سلطنت طلبان و طیف توده ای و بخشاً در عرض چند ماه برای خود تکه پاره هایی از نظرات و تئوریهای دست چندم متناظرهای اروپایی شان سر هم کردند و اسم آن را "نواندیشی"، "تجدد طلبی"، مبارزه با جزم اندیشی و ..... گذاشتند.

به استناد همه این دلایل به جرات می توان گفت که سوسیال دمکراتهای وطنی در واقع کاریکاتوری از سوسیال دمکراسی اروپا از آب درآمدند و در هیچ یک از زمینه ها با آنها قابل مقایسه نیستند.

بنا بر این برای آنکه کاریکاتور ایرانی سوسیال دمکراسی اروپا از خود آن متمایز شود، در سراسر مقاله از عبارت "سوسیال دمکراسی وطنی" استفاده شده است.

### سوسیال دمکراتهای وطنی محظورات و رودر با یستی ها را کنار می گذارند

گفتم که سوسیال دمکراتهای وطنی محظورات دست و پاگیر را کنار می گذارند. • بهترین محذور سوسیال دمکراتهای وطنی ادعای روغین سابق ایشان مبنی بر مارکسیست - لنینیست بودن آنها است. • ایشان که تئوری و پراتیک شان همواره در مقابل تئوری و پراتیک مارکس و لنین بوده و هیچ قرابتی با آن نداشته است، ایشان که همواره بیهوده کوشیدند جنایات و کثافت کاریهای خویش را با سوء استفاده از اعتبار و نفوذ مارکس و لنین توجیه کنند، اینک ادعای روغین خویش مبنی بر مارکسیست - لنینیست بودن را کنار می گذارند و به زبان واقعی خویش صحبت می کنند. • اما باید توجه داشت که حتی این کار ایشان نیز نه بگونه ای صادقانه و صریح بلکه با استفاده از هزاران کج راه و به روشهایی ناسالم و موزیانه صورت می گیرد. • مثلاً "یکی از شرکده های آنان ایس است که ابتدا مارکسیسم را تا حد نوع خاصی از فلسفه، ایدئولوژی یا مرام پایین می آورند و بعد

به صفوف ملوانان معترض و انقلابی چراغ سبز نشان دادند و در قتل و مجروح شدن عده زیادی شریک شدند.

رزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت در زمان حکومت سوسیال دمکراتها به قتل رسیدند و ۱۰۰ پس از آن دوره نیز سوسیال دمکراتها همواره یا در مقام مشاورین حکومت عمل کرده اند و یا خود در قدرت بوده و مجریان اوامر سرمایه کشته اند. • در هر دو حالت آنها به مثابه اهرم نیرومندی در جهت حفظ مناسبات غیر انسانی و استثمار گرایانه موجود عمل نموده اند.

با وجود همه اینها سوسیال دمکراتهای وطنی نه تنها از لحاظ مبانی نظری و ایدئولوژیک بلکه از لحاظ پیشینه تاریخی و عملکرد اجتماعی شان نیز بسیار عقب مانده تر از سوسیال دمکراسی اروپا هستند.

اگر رهبران و تئوریسین های سوسیال دمکراسی اروپا از درون جنبش کارگری بیرون آمدند، با آن رابطه نزدیک داشتند و جریان معینی را یعنی جریان رفرمیستی را در درون این جنبش نمایندگی می کردند، رهبران سوسیال دمکراسی وطنی را کمیته مرکزی ها و هیئت سیاسی های حزب توده، اکثریت و سازمان فدائیان خلق تشکیل می دهند که یک از یک در میان کارگران بد نام تر و آبرو باخته ترند!

اگر فعالیت سوسیال دمکراتهای اروپایی در اتحادیه ها و جنبش های اجتماعی رفرمیستی بخشاً دستاورد هایی در چارچوب نظام موجود به همراه داشته، فعالیت گذشته سوسیال دمکراتهای وطنی جز تقلاهای درودسته های ورشکسته همدست سیامترین دیکتاتوری های معاصر برای سرکوب حقوق دمکراتیک مردم و دستاورد های انقلاب ۵۷ چیزی به همراه نداشته است.

اگر سوسیال دمکراسی اروپا در طول یک قرن مبانی نظری و عملی خود را باز یافت و این مبانی را در جریان مبارزات اجتماعی صیقل داد و نمایندگی کرد، سوسیال دمکراتهای وطنی در عرض دو سه سال

اگر سوسیال دمکراسی اروپا در طول یک قرن مبانی نظری و عملی خود را باز یافت و این مبانی را در جریان مبارزات اجتماعی صیقل داد و نمایندگی کرد، سوسیال دمکراتهای وطنی در عرض دو سه سال

اعلام می کنند که حزب یا سازمان آنها، حزب یا سازمان "ایدئولوژی" و "مرام" خاصی نیست و هر کس با هر فلسفه و مرامی می تواند در آن فعالیت کند! و یا نشریه "راه ایرانی" در چند مقاله خود تحت عنوان "لنینیسم و دمکراسی"، به بهانه انتقاد از نظرات لنین بسیاری از مبانی پیشینی مارکسیسم از جمله دیکتاتوری پرولتاریا، ضرورت انقلاب قهری، طبقاتی بودن دمکراسی و ..... را نفی می کند.

در این رابطه مهدی خسرو شاهی که اکثریتی را در راستی است در مورد "نواندیشیان" درون سازمانش چنین می نویسد:

"پیشینه نواندیشیسم گرفته است که مارکسیست نباشد. • بنابراین بحث در این زمینه که در کتاتاز از مارکسیسم چیست، کجای مارکسیسم غلط بود و کجای آن درست، بی معنی است. • در کتاتاز اکثریت هم زمینه ای برای بحث در این زمینه وجود ندارد. • نمایندگان ایدئولوژی زدایی خواهند کرد و قال قضیه را خواهند کرد. • مارکسیسم محترمانه کنار گذاشته خواهد شد. •" (۶)

بدین ترتیب سوسیال دمکراتهای وطنی اگر چه ناصادقانه و با هزار حيله، اما به طور هدفمند و گام به گام ادعای روغین مارکسیست بودن را پس می گیرند.

از نظر سیاسی کنار گذاشتن این محظورات دست سوسیال دمکراتهای وطنی را در خریدن آشکارتر به زیر پرچم این یا آن جریان بورژوازی اپوزیسیون بازتر می کند. • و به قول معروف باعث جلب اعتماد دستجات مختلف این اپوزیسیون از جمهوری خواهان گرفته تا سلطنت طلبان و امثال بنی صدر و بختیار می گردد. • و همانطور که در ادامه به آن اشاره می شود گامهای عملی زیادی نیز در جهت این اعتماد متقابل بین سوسیال دمکراتهای وطنی با سلطنت طلبان و جمهوری خواهان برداشته شده است.

و بخشاً در عرض چند ماه برای خود تکه پاره هایی از نظرات و تئوریهای دست چندم متناظرهای اروپایی شان سر هم کردند و اسم آن را "نواندیشی"، "تجدد طلبی"، مبارزه با جزم اندیشی و ..... گذاشتند.

تحولات اخیر در درون سلطنت طلبان و طیف توده ای

بیانیه ۱۴ ماده ای رضا پهلوی بیان خواسته های سوسیال دمکرات های وطنی نیز هست

گفتم که سوسیال دمکرات های وطنی عنوان می کنند که حزب یا سازمانشان حزب مرام یا ایدئولوژی خاصی نیست بلکه تمام کسانی که برنامه سیاسی آنها را بپذیرند می توانند در درون حزب یا سازمانشان فعالیت کنند. بنابراین ما هم آنها را با ملاک خواسته ها و

می بینیم که در آن بیانیه شعارهای فوق به گونه ای - منسجم تر و در قالب یک منشور سیاسی ارائه شده اند. به برخی از مواد منشور مذکور نگاه می باندازیم:

ماده اول - "نظام سیاسی ایران باید بر پایه حاکمیت مردم و حکومت قانون استقرار گردد. حکومت باید ناشی از اراده ملت، تابع اکثریت و حافظ حقوق اقلیت باشد."

بدین ترتیب می بینیم که ملاحظات سیاسی هر چه باشند، تا جایی که پای پلاتفرم سیاسی در میان است، منشور رضا پهلوی، سوسیال دمکرات های وطنی را آچمز و حلخ سلاح کرده است.

آری! اینک سلطنت طلبان، سوسیال دمکرات های وطنی جمهوری خواهان ملی و سایر دستجات سرکویگر و رسوا در حال صدور گواهی عدم سوء پیشینه برای یکدیگرند! ایشان برای اینکه اعتباری برای خویشت

دست و پا کنند مشغول رد و بدل کردن تعارفات سیاسی اند و قصد دارند با دمکرات و آزاد یخواه نامیدن یکدیگر نسبت به خویش توهم ایجاد کنند.

برنامه سیاسی می سنجم تا ببینیم که ایشان در شرایط کنونی چه چیزی را برای ایران توصیه می کنند و طرفدار کدام شعارها هستند.

چهار جریان، حزب دمکراتیک مردم ایران، اکثریت، فدائیان خلق ایران و حزب دمکرات کردستان در پیام نوروزی مشترک خویش از جمله می نویسند:

"امروز را گناه آن است که همگی با احساس مسئولیت نسبت به حال و آینده ایران در قامت بلند ملتی بزرگ و آزاد یخواه برای استقرار آزادی، حکومت قانون و قرار دادن میهن مان در مسیر رشد و ترقی و رفاه متحد شویم... و همچنین:

"ما نیروهای سیاسی امضا کننده این پیام... در آستانه سال نو، همه نیروهای آزاد یخواه و همه مردم ایران را به همبستگی و اتحاد در مبارزه بر علیه استبداد و استقرار دمکراسی و عدالت اجتماعی در ایران فرا می خوانیم."

اگر به شعارهای آزادی، حکومت قانون، دمکراسی و عدالت اجتماعی که در نقل قول های فوق آمده شعارهای تامین آزادی های فردی، اجرای حقوق بشر، پلورالیسم سیاسی و جمهوری را نیز که در نوشته های سوسیال دمکرات های وطنی به شکل پراکنده و اینجا و آنجا وجود دارد، اضافه کنیم تصویری از مهمترین شعارهای سیاسی ایشان بدست می آوریم.

اما با مقایسه شعارهای فوق با بیانیه ۱۴ ماده ای رضا پهلوی که در دی ماه ۱۳۶۸ اعلام شد،

ماده دوم - "همه مردم ایران در برابر قانون برابرند... هیچ برتری طبقاتی، قومی، جنسی یا دینی برای کسی نباید شناخته شود."

ماده سوم - "آزاد یهای سیاسی، به ویژه آزادی اندیشه، بیان و نشر عقاید و آراء، آزادی - تشکیل احزاب، سندیکاها و انجمن ها... باید تضمین شود و اصول و موازین مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در میثاق های حقوق سیاسی مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد احترام و اجرا قرار گیرد."

ماده چهارم - "دولت و حکومت باید جدا از دین و مذهب باشد..."

ماده پنجم - "ستی که بر زنان ایران رفته است، باید جبران گردد و برابر آنان با مردان در همه زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به رسمیت شناخته شود و حق و اختیارات طبیعی زنان منجمله اختیار پوشش، به آنان اعاده گردد."

ماده ششم - "مردم ایران باید از حق فعالیت و آفرینش هنری و آزادی پژوهش و نشر و تبلیغ آراء علمی و آثار فرهنگی خود برخوردار شوند."

ماده هفتم - "... دولت باید با اتخاذ سیاست های مناسب در جهت توسعه صنایع داخلی و آزاد کردن نیروهای تولیدی و کمک به افزایش بنیاده و ظرفیت اقتصادی کشور نام بردارد و بالا بردن سطح

زیرا شعارهای ایشان از منشور رضا پهلوی به مراتب ناقص تر و نازل تر است.

تنها مانعی که از این زاویه می تواند مطرح باشد خواست جمهوری یا نظام سلطنتی است که در این مورد نیز هم سوسیال دمکرات های وطنی و هم رضا پهلوی توافق دارند که تصمیم گیری در این باره به عهده "انتخاب آزاد" مردم است.

بدین ترتیب به جرأت می توان گفت که زمینه های مادی اتحاد و همکاری نزدیک سلطنت طلبان، جمهوری خواهان و سوسیال دمکرات های وطنی فراهم شده است و در همین راستاست که در چند ماه اخیر اقدامات عظمی و تحرکاتی در جهت نزدیکی و همکاری بیشتر جریانان فوق صورت گرفته است.

برخی از این اقدامات به شرح زیر است:

- دیدارها و مذاکرات نمایندگان حزب دمکراتیک مردم ایران، حزب دمکرات کردستان، اکثریت و سازمان فدائیان خلق ایران با جمهوری خواهان ملی.

- پاسخ اکثریت به بیانیه ۱۴ ماده ای رضا پهلوی که در واقع به مثابه گشودن بابی برای بده بستان و مذاکره با سلطنت طلبان به حساب می آید.

- استقبال محافل و افراد سلطنت طلب از پاسخ اکثریت به بیانیه رضا پهلوی. در این رابطه در کیهان لندن ارگان سلطنت طلبان مقالات و نوشته ها زیادی در واکنش به این پاسخ به چشم می خورد که

تحولات اخیر در  
درون سلطنت طلبان و طیف توده ای

در این میان تا آنجا که به سوسیال دمکراتهای  
وطني مربوط می شود می توان گفت که نقش ایشان درست  
مانند توده های دوره گذشته محدود می شود به  
خاک پاشیدن به چشم مردم تحت ستم ایران و جبهه  
سازی برای قدرت یابی بورژوازی، به علم کردن دمکراسی

فریب کارانه و صوری بورژوازی برای خفه ساختن دمکراسی  
واقعی یعنی دمکراسی شورایی و به فراهم کردن زمینه  
های سرکوب دستاورد های توده های استثمار شونده  
در برآمد توده های آینده .

بسیاری از آنها " واقع بینی " اکثریت را ستود هانند  
و آن را به عنوان امر مثبتی تلقی کرد مانند .  
برگزاری سمینار " بحث آزاد " در رابطه با " انتخابات  
آزاد و دمکراتیک " که در آن نمایندگان جبهه ملی ،  
جمهوری خواهان ملی ، نهضت مقاومت ملی ، حزب  
دمکرات ، حزب دمکراتیک مردم ایران و . . . شرکت  
داشتند .

صاحب راه ارانی با بنی صدر که در آن راه ارانی  
بنی صدر جنایتکار و سرکوبگر را در مقام یک فرد آزاد یخواه  
و دمکرات می نشاند که به داوری گذشته ایران نشسته  
و برای آینده نظر و پیشنهاد می دهد !  
صاحبه کیهان لندن با بابک امیر خسروی که در چند  
شماره کیهان لندن منتشر شده است .  
فعال شدن تجمعی به نام " هیئت موسس جبهه  
ائتلاف ملی ایران " .  
و موارد دیگری که برشمردن همه آنها از حوصله این  
مقاله خارج است . ( ۷ )

آری ! اینک سلطنت طلبان ، سوسیال دمکراتهای وطنی  
جمهوری خواهان ملی و سایر دستجات سرکوبگر و  
رسوا در حال صدور گواهی عدم سوء پیشینه برای  
یکدیگرند ! ایشان برای اینکه اعتباری برای حویش  
دست و پا کنند مشغول رد و بدل کردن تعارفات  
سیاسی اند و قصد دارند با دمکرات و آزاد یخواه  
نامیدن یکدیگر نسبت به حویش توهم ایجاد کنند . این  
است راز صاحب راه ارانی با بنی صدر و جا زدن وی  
به عنوان یک فرد دمکرات و آزاد یخواه ، صاحبه کیهان  
لندن با بابک امیر خسروی ، بدهستان ها و تعارفات  
اکثریت با رضا پهلوی و سلطنت طلبان و نشست و  
برخواست های سوسیال دمکراتهای وطنی با جمهوری  
خواهان ملی و . . . . .

منافع مشترك تمامی این داور دسته ها ایجاب می کند  
که مردم ایران به حافظه تاریخی شان رجوع نکنند و  
ادعاهای امروزین ایشان را با عملکرد اجتماعی شان  
محک نزنند . اما هر کس که مختصر اطلاعی از عملکرد  
این جریانات دارد ، می داند که داور دسته های فوق  
که عبارات آزادی و دمکراسی از زبانشان نمی افتد  
تا چه حد سرکوبگر و دیکتاتور منش هستند و تا چه  
اندازه در فریب کاری و دروغگویی کارگشته اند .

در این میان تا آنجا که به سوسیال دمکراتهای  
وطني مربوط می شود می توان گفت که نقش ایشان درست  
مانند توده های دوره گذشته محدود می شود به  
خاک پاشیدن به چشم مردم تحت ستم ایران و جبهه  
سازی برای قدرت یابی بورژوازی ، به علم کردن دمکراسی  
فریب کارانه و صوری بورژوازی برای خفه ساختن دمکراسی  
واقعی یعنی دمکراسی شورایی و به فراهم کردن زمینه  
های سرکوب دستاورد های توده های استثمار شونده  
در برآمد توده های آینده .

سوسیال دمکراسی وطنی در آینده ایران همان  
نقش رسوایی را ایفا خواهد کرد که حزب توده در گذشته  
به عهده داشت . از این رو تحول سوسیال دمکراتیک  
در طیف توده ای عبارت است از پیگیری همان مسیر  
رسوایی گذشته تحت عبارات و الفاظ جدید .

پ . ج  
ژوئیه ۹۰

یادداشتها

۱- بارزترین نمود اینگونه امید های محافل سلطنت  
طلبان به سازش با جمهوری اسلامی و " بازگشت به  
وطن " پیام علی امینی خطاب به ایرانیان خارج کشور  
بود . وی در آن پیام از ایرانیان خواست برای کمک

به " جناح میانه روی " رفسنجانی به ایران باز گردند  
و جریخ های اقتصادی کشور را به کمک این جناح به  
گردش در آورند .  
۲- رجوع خود به جامی - گذشته چراغ راه آینده  
است . ص ۵۱۷  
۳- در این رابطه مثلا " رجوع کنید به راه ارانی -  
ارد بیشت ۶۹ مقاله " حزب دمکراتیک مردم ایران  
چه می خواهد و چه می گوید ؟ " همچنین صاحب  
راه ارانی بهمن ۶۸ با فرج الله میبینی عضو رهبری  
اکثریت که راه ارانی وی را از " پیشگامان نواندیشی "  
در اکثریت می خواند ، بخشا " نشان می دهد که  
سوسیال دمکراتهای وطنی چگونه شایبه ها و محظورات  
دست و پا گیر را به دور می اندازند و حرف دلشان را  
می زنند !  
۴- در سال ۱۹۸۹ کنگره هجدهم احزاب سوسیال  
دمکرات سراسر جهان تحت عنوان " انترناسیونال  
سوسیالیستی " در استکهلم برگزار گردید . در این  
کنگره اسناد برنامه ای احزاب سوسیال دمکرات به تصویب  
رسید .  
۵- در این رابطه مقایسه " رئیس برنامه انترناسیونال  
سوسیالیستی " مندرج در " کسار " ارگان مرکزی  
اکثریت خرداد ۶۹ با آثار زیر مفید خواهد بود :  
- حزب دمکراتیک مردم ایران چه می خواهد و چه  
می گوید ؟ راه ارانی بهمن ۶۸  
- صاحب با فرج الله میبینی ، عضو رهبری اکثریت  
راه ارانی بهمن ۶۸  
- لنیسیسم و دمکراسی - بخش آخر - راه ارانی -  
اسفند ۶۸  
- برنامه پیشنهادی فرج الله میبینی برای اکثریت  
۹

## قرارداد شنکن، محدودیت عبور از مرزهای اروپا و تمزیق حقوق پناهندگان

که برای پناهندگانی که در قلمرو این کشورها حضور یابند، حقوق معینی را قائل شوند. علاوه بر اینها آنان موظفند از پس فرستادن پناهجویانی که تعقیب، شکنجه و یا مجازات اعدام آنها را تهدید می‌کند، در مرزها خودداری ورزند.

این معاهده بعد از جنگ جهانی دوم، در دوران جنگ سرد، در واقع حفظ و تأمین سیستم حقوقی برای پناهندگانی در نظر گرفته شده بود که موفق می‌شدند از بلوک کشورهای اروپای شرقی و شوروی به غرب فرار کرده و در کشورهای بلوک دیگر، یعنی اروپای غربی تقاضای پناهندگی بنمایند. در شرایط کنونی که دوران تقابل این دو بلوک بسر آمده و در مجموع صحبت پایان جنگ سرد و همکاریهای چند جانبه اقتصادی حتی نظامی بین آنها در میان است، دیگر پایبندی به مفاد این کنوانسیون نیز بتدریج برای آنها بی مفهوم می‌گردد. این امر بخصوص در شرایطی صورت می‌گیرد که خیل گسترده‌ای از انسانهایی که از مناسبات سلطه کرانه، غیر دمکراتیک و جابرانه، حاکم بر کشورهایشان (بویژه در قاره‌های آسیا و آفریقا) به تنگ آمده‌اند، به اروپا آمده و از حقوق قانونی که از طرف کنوانسیون ژنو مورد تصریح قرار گرفته است، سود می‌جویند. اگر زمانی دشمنی دو بلوک و تضاد بین آنها باعث می‌شد که کشورهای سرمایه‌داری غرب، بازت انسانی‌ستانه، حقوق پناهندگی را برای انسانهایی که از لحاظ سیاسی تحت تعقیب قرار دارند، بپذیرند، امروزه که دیگر پذیرش مستمیدگان آسیایی و آفریقایی، در معادلات جهانی سیاسی و نظامی، منافع سیاسی - ایدئولوژیکی برای آنان ندارد تظاهر به بشردوستی و رعایت اخلاقیات نیز جایگاهی در سیاست آنها نخواهد داشت.

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که این کشورها چگونه می‌توانند در عین متعهد به اجرای مفاد کنوانسیون پناهندگی ژنو از اجرای آن سر باز زنند. راه حل مسخ کشورهای عضو بازار مشترک و از آن جمله "پیشروان آنها" (یعنی امضا کنندگان قرارداد شنکن)، در این رابطه این است که کلاً با طرح مواضع قانونی نه تنها مانع از ورود پناهجویان به قلمرو این کشورها گردند، بلکه اصولاً از رسیدن آنها به مرزهای خود نیز

مانعت بعمل آورند. هنگامیکه پناهجویی اصولاً پایش به خاک کشورهای عضو بازار مشترک نرسد، پس مفاد کنوانسیون پناهندگی ژنو نیز بر روی کاغذ خواهد ماند و عملکردی نخواهد یافت.

برای این منظور کشورهای عضو بازار مشترک لیست ۵۹ کشور را تهیه کرده‌اند که شهروندان آنها بدون دارا بودن روادید اجازه ورود به خاک این کشورها (اعضای بازار مشترک) را ندارند. امضا کنندگان قرارداد شنکن حتی پا را از این هم فراتر گذاشته و رقم این لیست را به ۹۷ کشور رسانده‌اند.

علاوه بر این در کنوانسیون پناهندگی بازار مشترک پرنسیپ "تنها یک شانس" از لحاظ قانونی برسمیت شناخته شده که ایسین امر به این معناست که هر پناهجو تنها می‌تواند در یکی از کشورهای عضو این بازار، و آن هم در اولین کشوری که به آن وارد می‌شود، تقاضای پناهندگی دهد. برای پیشبرد عملی این پرنسیپ، سیستم رد و بدل کردن اطلاعات (SIS) در سطح بازار مشترک پی‌ریزی گشته است. این سیستم اطلاعاتی می‌تواند برای پناهندگان مقیم این کشورها به لحاظ امنیتی مسئله ساز گردد، چرا که قانون حفظ اسرار و اطلاعات "Datenschutz" در سطح بازار مشترک وجود ندارد و هیچ معلوم نیست که بعنوان مثال چه کسانی و یا چه ارگانهایی به اطلاعات شخصی و امنیتی پناهندگان دسترسی خواهند داشت. با این ترتیب امکان دستیابی به این اطلاعات از طرف سازمانها امنیتی کشورهای که این پناهنده‌ها از آنجا می‌آیند، بالا خواهد رفت.

امضا کنندگان قرارداد شنکن برای اینکه کلاً پای پناهجویان به دروازه‌هایشان نیز نرسد، تدابیر سفت و سخت تری اتخاذ کرده و به آنها جنبه قانونی داده‌اند. بعنوان مثال طبق مفاد قرارداد فوق، شرکتهای هواپیمایی موظفند تا از مسافران علاوه بر بلیط هواپیما، ویزای قانونی برای ورود به کشور مقصد را مطالبه کنند. اگر پناهنده‌ای بدون ویزا به مرزهای این کشورها رسید، این شرکتها موظفند که آنها را دوباره بازگردانند. علاوه بر این در کشوری مثل آلمان، حتی مجازات مالی برای شرکتها پیش‌بینی شده، که مسافران را بدون ویزا به آلمان انتقال دهند.

○○○

برای احقاق حقوق پناهندگان و مهاجرین متشکلاً مبارزه کنیم!



### قرارداد شنکن، محدودیت عبور از مرزهای اروپا و تمهید حقوق پناهندگان

پناهجویان می‌توانستند بدون ویزا، از طریق فرودگاه برلین شرقی به قسمت غربی این شهر آمده و در آنجا تقاضای پناهندگی نمایند.

در سال ۱۹۸۶ به "مرحمت" روابط خوب سوسیال دمکراتها با حکومت وقت آلمان شرقی و پا در میانی میان این حکومت و حکومت ائتلافی راست و محافظه کار حاکم بر آلمان ( ائتلاف دمکرات مسیحی ها، سوسیال مسیحی ها و لیبرالها )، امکان برلین شرقی برای ورود به خاک آلمان غربی از میان رفت .

در ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۷ قانونی در جهت تغییر روند پناهندگی و صاحب‌های آن و قواعد حقوق خارجیها به تصویب رسید که طبق آن تمامی شرکتهای هواپیمایی موظف شدند، ویزای قانونی مسافران به آلمان را نیز به همراه بلیط آنان مورد بازرسی قرار دهند . اگر یک شرکت هواپیمایی مسافران بدون ویزا را به فرودگاه فرانکفورت انتقال دهد، می‌بایستی برای هر نفر ۲۰۰۰ مارک جریمه نقدی بپردازد .

این سختگیریها به شرکتهای مسافربری در قانون جدید خارجیها که در بهار ۱۹۹۰ به تصویب رسید، مورد تاکید بیشتری قرار گرفته است که از لحاظ حقوقی بحث انگیز می‌باشد . بعنوان مثال مجتمع هواپیمایی " ایندیا ایر " بر علیه این بخش از قانون به دادگاه شکایت کرده است . اما متأسفانه سایر شرکتهای هواپیمایی به این قانون گردن نهاده‌اند . در این رابطه میتوان از " خط هوایی ترکیه " ( Turkish Airlines ) نام برد که اصولاً از انتقال ایرانیها به آلمان خودداری می‌کند .

آنچه در بالا گفته شد اطلاعات کلی ای بود که درباره قرارداد شنکن و نیز اقدامات جدید بازار مشترک بر علیه پناهجویان تاکنون انتشار یافته است . از آنجا که مذاکرات امضا کنندگان این قرارداد و نیز سایر کشورهای عضو سر مسئله، مشخص پناهجویان و مهاجرین، کاملاً " بدور از افکار عمومی و حتی پارلمان اروپا صورت گرفته است، اطلاعات دقیقتر و مشخصتری از مفاد آن‌ها در دست نیست . در مجموع می‌توان گفت با اجرای این قرارداد از ژانویه سال ۱۹۹۲ امکان راهیابی پناهجویان به مرزهای این کشورها بسیار اندک خواهد بود . امکان طرح تقاضای پناهندگی بطور همزمان در بیش از یک کشور عضو بازار نیز به لحاظ قانونی ناممکن به نظر می‌رسد . حال اینکه مفاد این قرارداد چه تاثری بر آزادی مسافرت کسانی خواهد داشت که پناهندگی شان برسمیت شناخته شده و دارای پاسپورت قانونی می‌باشند، در مقطع زمانی کنونی امری نامشخص است ! □

۱۹۹۰/۷/۲۳  
مهوش نظری

#### یادداشت :

۱- بد نیست کلاً به لحاظ تاریخی اشاره‌ای به اقدامات دولت آلمان در زمینه، معانعت از ورود پناهجویان به این کشور، داشته باشیم :

در سال ۱۹۸۰ حکومت ائتلافی سوسیال دمکراتها و لیبرالها طبق قانونی که از طرف وزیر کشور آن زمان تدوین شده بود، همراه داشتن ویزا برای ورود به خاک آلمان را برای اهالی کشورهای سری لانکا، اتیوپی و افغانستان اجباری نمود . با این وجود

#### تحوالات اخیر در درون . . .

۱- اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران تحت عنوان " یا مرگ یا تولدی دیگر " اسفند ۶۸  
۲- تهدید خسرو شاهی - مقاله انتقادی در سازمان ما و در جنبش چپ دمکراتیک - اکثریت - ۱۴ خرداد ۶۸  
۳- جالب اینجاست که این جریانها در عین کوشش برای ائتلاف و زد و بند با یکدیگر، نیم‌نگاهی هم به جناحهای درون جمهوری اسلامی دارند و در آتش " استحاله رژیم " می‌سوزند . مثلاً " نگاه می‌بندازیم به اظهارات مشعشعانه فرج الله مصینی در صاحبش

با راه‌آزانی بهمن ۶۸ . وی در پاسخ به این سوالات که " چشم انداز حکومت رفسنجانی را چگونه می‌بینید ؟ نظر شما درباره نظریه استحاله رژیم چیست ؟ " از جمله می‌گوید :

" : : : : اگر رژیم جمهوری اسلامی بتواند استحاله پیدا کند و لیبرالیزه شود، . . . . . چه دلیلی دارد که کسی از آن متنفر باشد ؟ و یا اگر کسانی بر این استحاله توجه کردند آنان را متهم کنند ؟ . . . . . ما بسیار خوشحال خواهیم شد که این " استحاله " واقعیت بیابد و هر چه عمیق تر و همه جانبه‌تر صورت بگیرد . متأسفانه هنوز شواهدی برای چنین استحاله‌ای وجود ندارد . . . . " و یا قربانعی عبدالرحیم پور عضو رهبری اکثریت که در

تب جذب نیروهای " درون جمهوری اسلامی " می‌سوزد در صاحبش " کار " ارگان مرکزی اکثریت مورخ اول خرداد ۶۹ از جمله می‌گوید :

" در درون خود نیروهای جمهوری اسلامی کسانی هستند که امروز صحبت می‌کنند از اینکه دیگر نظام فکری ما نظام قرون وسطی است . . . . . کسانی هستند که برخلاف تعابیر و تفاسیر قهقشا، در جویبارهای مختلف، معرفت را با هم پیوند می‌دهند و می‌خواهند در جغرافیای معرفت این عصر زندگی کنند . . . . . شعار آزادی انتخابات می‌تواند آنها را هم جذب خودش بکند . . . . "

مصاحبه با عضو سازمان عفو بین المللی آلمان  
بهیرامون قرارداد شنکن

آنچه که در مقاله بالا در رابطه با قرارداد شنکن و سیاستهای جدید دول عضو بازار مشترک بر علیه پناهجویان مورد بررسی قرار گرفت، زمانی کار برد عملی خواهند یافت که هر کدام از این کشورها بطور جداگانه، سیستم حقوقی و قضائی خود را با مفاد موجود در این عهد نامه ها تطبیق دهند. در این رابطه می توان بطور مشخص درباره کشور آلمان دید که چگونه از مدت ها پیش سردمداران دولت سرمایه داری حاکم بر آن در تلاشند که پاراگراف ۱۶ قانون اساسی این کشور را در مورد مسئله پناهندگی تغییر دهند و یا کلاً حذف نمایند.

این پاراگراف از یکطرف در تقابل معینی با مفاد قرارداد شنکن قرار دارد. از طرف دیگر مانعی بر سر راه همسطح سازی حقوق پناهندگی در حیطه بازار مشترک می باشد. اگر قرار است حقوق یکسانی برای پناهندگان در سراسر اروپا بی ریزی گردد و این بزرگان بشری به معنای تنزل این حقوق به پائین ترین سطح آن می باشد، پس می بایستی پاراگراف ۱۶ قانون اساسی که در آن برای هر پناهجویی تشکیل پروسه دادگاه را تضمین می کند، قانونی که بعد از بررسی است شناختن پناهندگی افراد، حقوق برابر برای آنها و آلمانی ها را مورد تصریح قرار می دهد و ۰۰۰ نیز تغییر کند و به لحاظ حقوقی خلج سلاح گردد.



در رابطه با مطالب فوق و کلاً "سیاست پناهندگی دولتهای عضو بازار مشترک اروپا و ۰۰۰ روزنامه تاتس (TAZ) در تاریخ ۱۹ ژوئن مصاحبه ای با خانم مارگیت گشتاین (M. Gotstein) عضو حوزه پناهندگی سازمان عفو بین الملل آلمان ترتیب داده است که در زیر ترجمه بخشهایی از آن خواهد آمد.

سوال - آیا نگرانی از این امر وجود دارد که در روند "هم سطح سازی اروپا"، پاراگراف ۱۶ قانون اساسی محدود شود؟

جواب - بله دقیقاً این نگرانی موجود است - پاراگراف ۱۶ قانون اساسی بر خلاف کنوانسیون پناهندگی ژنو برای هر پناهجویی که در قلمرو این کشور حضور دارد، تشکیل پروسه دادگاه را به لحاظ حقوقی تضمین می کند. در عین حال این قانون پس فرستادن پناهجویان را مجاز نمی شمارد در حالیکه در چهار چوب کنوانسیون پناهندگی ژنو پناهجویان را می توان به کشور دیگری که در آنجا امنیت داشته

باشند فرستاد و این امر بعنوان مثال در دانمارک بشکل گسترده ای عملی می گردد. بدلیل پاراگراف ۱۶ قانون اساسی آلمان فدرال علیرغم قرارداد های شنکن و کنوانسیون پناهندگی (بازار مشترک) پرنسیپ "تنها يك شانس" را نمی تواند در کشور خود تحقق بخشد. بیانات فراکسیون سرسیال مسیحی و دمکرات مسیحی نشاندهنده این است که آنها قصد دارند، پاراگراف ۱۶ را به لحاظ سیاسی از سر راه خود بردارند.

سوال - شما کشورهای امضا کننده قرارداد شنکن و نیز اعضای بازار مشترک را نه تنها پیشبرنده سیاست ضد پناهندگی بلکه همچنین ضد دمکراتیک خوانده اید. ضد دمکراتیک بدون سیاست این کشورها در این موضوع مشخص به چه معنایی می باشد؟

جواب - بخشهایی که در رابطه با بازار داخلی اروپا EG-Binnenmarkt و قرارداد شنکن صورت گرفته و به پناهنده ها مربوط می شود، مخفی نگاه داشته شده اند. پارلمانها در جریان قرار نگرفته اند تا جایی که کمیسیون پناهندگی سازمان ملل (UNHCR) اخیراً "در این باره اطلاع حاصل کرده اند. سازمانهای حقوق بشر و فعال در امور پناهندگی، اصولاً مخاطب قرارداد شده نشدند و نظرشان در این رابطه خواسته نشد. در واقع همان سیاستی در اینجا به پیش برده شد که در مورد قانون جدید خارجیها به عرصه عمل درآمد!

علاوه بر اینها سیستم بوروکراتیک حاکم بر این کشورها بنحوی است که پارلمانها تنها می توانند آره یا نه بگویند. کنترل پارلمان اروپا بر روی تصمیمات اعضای بازار مشترک تا قبل از این هم بسیار ناچیز بوده است. حتی این عملکرد حداقل نیز در واقع قطع شده است.

سوال - بنظر سازمان عفو بین الملل يك سیاست پناهندگی اروپا چگونه می بایستی بود؟

جواب - شکل گیری يك بحثی در سطح اروپا ضروری بود که بعنوان مثال روشن کند که آیا مفهوم رایج و متداول پناهجو در شرایط زمانی کنونی صحیح می باشد. (علاوه بر این) ضروری بود قواعدی برای تعیین مشخصه های پناهجویانی که تقاضای پناهندگی شان رد شده ولی نمی توانند پسر فرستاده بشوند وضع شود. در سال ۱۹۸۷ نیز پارلمان اروپا طبق قطعنامه ای که صادر کرد، این

شرکت در انتخابات حق مسلم مهاجرین و پناهندگان است

### مصاحبه با عضو سازمان عفو بین المللی آلمان پیرامون قرارداد شنکن

از کشورهای می آیند که در آنجا جنگ داخلی وجود دارد. جنگ داخلی بنا به کوانسیون پناهندگی ژنو و همچنین پاراگراف ۱۶ - قانون اساسی آلمان، دلیلی برای امر پناهندگی نمی تواند باشد، چرا که از صائب يك جنگ داخلی نه تنها افراد منفرد بلکه همسه به یکسان رنج می برند. در اینجا دیگران بعنوان مثال سازمان کشورهای آفریقایی (OAU) بسیار فراتر از این می اندیشند. بعنوان مثال این سازمان مفهوم پناهنده را از کوانسیون پناهندگی ژنو گرفته و آن را گسترش داده است. انسانهایی که بدلیل موقعیت قهر آمیزی که توسط سایرین بوجود آمده مانند جنگ داخلی، لشکر کشی ارتش بیگانه و انقلاب فرار می کنند، بعنوان پناهنده محسوب می شوند. □ ترجمه و تنظیم از: مهوش نظری

که مفهوم پناهنده در کوانسیون پناهندگی ژنو در شرایط زمانی کنونی مناسب نیست را مورد تصریح قرار داد. در این باره پیشنهادات شخصی نیز برای تخییر این مفهوم ارائه شده است.

سوال - مفهوم پناهندگی جدید چگونه می تواند باشد؟

جواب - مشکل اصلی شاید کمتر در مفهوم و بیشتر در شیوه برخورد با پناهندگان باشد. سازمان عفو بین الملل در شرایط کنونی ۴ گروه از پناهنده را می شناسد که به لحاظ اصولی نباید پس فرستاده شوند. فلسطینیهای لبنان، تاملیهای سری لانکا، کرد های عراقی و اعضای طایفه ایساکو از سومالی. همه این ۴ گروه بر حسب عملکرد مسلط، شانسی برای پذیرش پناهندگی شان ندارند. این امر باید بنحوی شتابدار تخییر کند. این گروهها

### گسترش دامنه اعتصابات

#### کارگری ایران، در سه ماهه آخر سال ۶۸

به حدود ۲۰۰ هزار روز می رسد. بیش از ۲۰۰ کارگر در حمله پلیس و نیروهای نظامی به این اعتصابات دستگیر شده اند. تعدادی از این اعتصابات يك هفته و بیشتر به طول انجامید و در برخی از آنها کارگران به خواسته های خویش دست یافته اند. و سرانجام تحت فشار مجموعه این اعتصابات و مبارزات بود که رژیم پراز چند سال که حداقل دستمزد را ثابت نگه داشته بود ناگزیر به افزایش ۲۰ درصدی حداقل دستمزد ها و رساندن آن به روزانه ۱۰۰ تومان شد.

در زیر اشاره کوتاهی به برخی از این اعتصابات می نمایم:

⑤ اعتصاب ۱۲ روزه ۱۳ هزار کارگر گروه صنعتی ملی تهران در - دی ماه ۶۸ با خواسته های از قبیل اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت حقوق های عقب افتاده، افزایش دستمزد، اینکه هیچ کارگری نباید مورد دستگیری و پیگرد قرار گیرد و کارگران دستگیر شده باید آزاد شوند و ...

اگر چه این اعتصاب که با تظاهرات نیز همراه بود با زور اسلحه نیروهای سرکوبگر رژیم و با دستگیریهای وسیع کارگران، به خواسته های خویش نرسید اما روحیه اتحاد و مبارزه در کارگران را تقویت نمود.

این اعتصاب برجسته ترین اعتصاب پایان سال ۶۸ بود. در پویش شماره ۵ گزارشی از این اعتصاب درج شده است.

جدی ترین مخالفت ها نسبت به رژیم در داخل کشور نه از جانب کارگران بلکه از جانب سران نهضت آزادی، تعدادی از " افسران میهن پرست"، جناحهایی در درون خود رژیم و ... صورت می گیرد!

برای افشای این تصویر وازگونه و شناخت صحیح تر واقعیات جاری در ایران آگاهی از چند و چون مبارزات و اعتصابات کارگری بی اندازه مهم و ضروری است. با توجه به این موضوع در نوشته حاضر مرور کوتاهی داریم بر برخی اعتصابات ماههای آخر سال ۶۸ (۱).

اعتصابات سه ماهه آخر سال ۶۸ نسبت به چند سال گذشته برتری های قابل ملاحظه ای را نشان می دهند. در این سه ماه اکثر مناطق صنعتی کشور دستخوش جنب و جوش عمومی بودند و اعتصابات کارگری نه جنبه محلی و تک افتاده بلکه جنبه سراسری داشتند. در تهران کفش ملی، در اهواز نورد لوله، در منطقه صنعتی قزوین مولن موکت، در اصفهان حرکت اعتصابی در دو مجتمع ذوب آهن و فولاد مبارکه مراکز عمده این اعتصابات بودند. تحت حاکمیت خونخوار جمهوری اسلامی تبعاً هیچ آمار دقیقی در مورد ابعاد کلی اعتصابات پایان سال ۶۸ در دست نیست اما به جرأت می توان گفت که دستکم بین ۳۰ تا ۴۰ هزار کارگر در این اعتصابات شرکت کرده اند. اعتصاب بر حسب روز کار يك کارگر،

کسرتش دامنه اعتصابات کارگری ایران، در سه ماهه آخر سال ۶۸

تا این عقب نشینی را رسماً اطلاع دهد. خبر موافقت دولت با خواست کارگران از تلویزیون نیز پخش گردید.

از اعتصاب کارگران ذوب آهن با شور و شوق عمومی و احساس همبستگی کارگران سایر کارخانجات اصفهان استقبال گردید و بدنبال آن سلسله اعتصابات در مجتمع فولاد مبارکه دومین مجتمع بزرگ فولاد اصفهان صورت گرفت.

اگر موقعیت کنونی درون ایران را به نظر آوریم، یعنی شرایطی را که رژیم جمهوری اسلامی با بسیج انواع و اقسام نیروها و دستگاه‌های سرکوب خود به وحشیانه ترین شیوه‌ای هر حرکت و جنبشی را به خاک و خون می‌کشد و حتی مخالفت خوانی‌ها و غرولندهای عناصر درون خود را نیز تحمل نمی‌کند، اهمیت فوق العاده‌ای در حرکات مبارزاتی کارگران را بیشتر می‌توانیم درک و لمس کنیم.

کارگرانی که علیرغم فضای سرکوب، فشار و نسل کشی کنونی در مقابل این رژیم سرکوبگر و باند های آدم کش آن می‌ایستند، به شرایط موجود تن نمی‌دهند و از حقوق خود دفاع می‌کنند.

کارگران در شرایطی تن به مبارزه می‌دهند که می‌دانند این مبارزه به قیمت هستی خود و خانواده‌شان تمام شود، و علاوه بر آن غالب نیروهای دیگر خیز از حرکات و اعتراضات آنها نمی‌دهند و از حرکات آنان در مقابل رژیم هار و تا دندان مسلح جمهوری اسلامی پشتیبانی نمی‌کنند. اگر بلندگوهای گوناگون مثل رادیو اسرائیل، لندن و آمریکا و ... یا روزنامه‌های رنگارنگ اپوزیسیون دست راستی رژیم یک نامه از امثال نهضت آزادی را با تبلیغات گوناگون و از زوایای مختلف مطرح کرده و از آن به انواع گوناگونی حمایت و پشتیبانی می‌نمایند و تا این درجه آنها مهم جلوه میدهند، - زمانی که حرکات کارگران در مقابل رژیم جمهوری اسلامی مطرح است، دیگر نه تنها از حمایت بلکه از مطرح نمودن آن نیز از طریق این بلندگوها و رسانه‌ها خبری نیست با همه این احوال کارگران خطر مبارزه با این رژیم سرکوب و ترور را به جان خرید هاند.

واقعیت این است که هیچ نیروی بورژوازی به فکر زجر و ستمی که کارگران و مردم تحت ستم ایران، زیر سلطه رژیم جمهوری اسلامی می‌کشند، نیست. آنها اگر به فکر چیزی هم باشند، منافس خودشان و نه حق و حقوق و مطالبات واقعی مردم ستم دیده

اعتصاب چندین روزه ۲ هزار کارگر لوله اهواز در اسفند ۶۸ با خواسته‌ها گرفتن دریافتیهای آخر سال و افزایش دستمزد و مزایا از جمله افزایش حق مسکن.

خیر اعتصاب سریرا به کارخانه‌های نظیر کارخانه فارسیت، اطراف نورد سنگین کاویان، لوله سازی خوزستان و مجتمع فولاد اهواز رسید و با ادامه اعتصاب در همه مراکز صنعتی اهواز کارگران از اعتصاب نورد لوله صحبت می‌کردند و نسبت به اعتصاب ایشان ابراز همبستگی می‌نمودند.

این اعتصاب بیش از یک هفته به طول انجامید و سرانجام با توسل به نیروهای نظامی، وادار ساختن کارگران به شروع کار با زور اسلحه و دستگیری تعدادی از ایشان پایان یافت.

اعتصاب موفق و ۱۲ روزه ۳ هزار کارگر مولن موکت قزوین با خواست گرفتن مزایا، افزایش دستمزد و دریافتیها و انحلال انجمن اسلامی، این اعتصاب از روز ۲۸ بهمن ۶۸ آغاز شد.

اگر چه در این اعتصاب نیز طبق معمول دولت از نیروهای نظامی استفاده کرد و به دستگیری تعدادی از کارگران پرداخت، اما کارگران شجاعانه در مقابل این حملات ایستادگی نمودند و سرانجام علاوه بر آزادی همکاران خویش به اکثر خواسته‌های خود نیز دست یافتند. انجمن اسلامی کارخانه منحل شد و رئیس آن اخراج گردید. حق شیفت از ۱۰ درصد به ۳۵ درصد افزایش یافت، قرار شد که مزایای مربوط به حق مسکن و پول غذا ترمیم شود و قبول افزایش دستمزد ها داده شد.

اعتصاب موفق و دو روزه هزاران کارگر ذوب آهن در اوآخسر اسفند با خواست پرداخت پاداش نقدی آخر سال (عیدی).

اعتصاب در هم روز اول بخش اعظم قسمتهای کارخانه را فسر گرفت و کارگران با خواباندن کار در کارگاهها از تردد و بارگیری وسایل موتوری سنگین چون تریلرها در چند نقطه مجتمع جلوگیری کردند.

وقوع این اعتصاب دولت را به شدت سراسیمه و دست پاچه کرد. هیئت دولت در جلسه خود به خواست پرداخت عیدی نقدی گردن نهاد و بانکی، وزیر مشاور را سریرا به اصفهان فرستاد

اخبار اعتصابات و تظاهرات کارگری و توده ای در ایران را به اطلاع جهانیان برسانیم!

## ژاپن: متمدن تکنولوژی

## توده عظیمی در آن سوی مرز فقر و نیستی!



نام ژاپن همواره کشور پیشرفته صنعتی ای را در ذهن تداعی می‌کند که به لحاظ اقتصادی بخیر و سیعی از بازارهای جهان را در سلطه خود گرفته است. تکنولوژی پیشرفته و نرخ رشد بالای اقتصادی دویزگی مهم این کشور، یک روی سکه را به نمایش می‌گذارند. آنچه غالباً ناشناخته است روی دیگر سکه می‌باشد.

اینکه کشور ژاپن توانسته ظرف سالهای پس از جنگ جهانی دوم به یک تحول اقتصادی تبدیل شود، بیش از هر چیز به بهای استثمار خشن نیروی کار و محدودیت های وسیع در تأمین امکانات رفاهی و اجتماعی در این کشور بوده است.

تولید در ژاپن بر اساس فروش سازماندهی می‌شود. این به آن معناست که کارگران بایست روزانه حجم معینی از کالاها را که مورد نیاز بازار می‌باشد، تولید کنند. حال اگر آنان برای تولید

اینکه کشور ژاپن توانسته ظرف سالهای پس از جنگ جهانی دوم به یک تحول اقتصادی تبدیل شود، بیش از هر چیز به بهای استثمار خشن نیروی کار و محدودیت های وسیع در تأمین امکانات رفاهی و اجتماعی در این کشور بوده است.

عدم محدودیت ساعات کار، عدم وجود وسایل ایمنی کافی در کارخانه‌ها، اجبار کارگران به نظرسنجی

دادن و ارائه پیشنهاداتی برای بالا رفتن تولید، حتی وجود تنبیه بدنی در بعضی از کارخانجات، بخشی از شرایط کار کارگران را در این کشور به نمایش می‌گذارند. در کنار این شرایط سخت و استثمار خشن، امکانات اجتماعی کارگران و زحمتمندان ژاپن بسیار پائین است. در این کشور عمدتاً بیمه بازنشستگی وجود ندارد. سایر بیمه‌های اجتماعی نیز در ژاپن هیچ‌گاه وجود نداشته است.

در ژاپن آمار رسمی فقط در دستهای کارفرمایان است و به همین دلیل نمی‌توان به صحت و سقم آن - چندان اطمینان داشت. بخوان مثال جندی پیش در رسانه‌های عمومی مطرح شد که در ژاپن ۴ میلیون کارگر رسمی وجود دارد. بعد از پرس و جو و تحقیقات معلوم شد که منظور از این ۴ میلیون نفر، کارگرانی نیز می‌باشند که روزانه نیروی کار خود را می‌فروشند و یا کارگرانی نسز که از امروز تا فردا می‌توانند براجتی اخراج شوند.

طبق گزارشهای حکومتی حدود ۱/۲ میلیون نفر مجبورند روزانه نیروی کار خود را بفروشند و این به معنای آن است که آنها هیچگونه امکانی برای اشتغال

اجتماعی نیز در ژاپن هیچ‌گاه وجود نداشته است. درصد بسیار پائین هزینه‌های اجتماعی در بودجه دولت خود گواه این ادعاست. در سال ۹۰، سهم هزینه‌های اجتماعی در بودجه ۱۷/۵ درصد را شامل می‌شود و این بسیار پائینتر از سطحی است که مثلاً در کشورهای اروپایی وجود دارد.

۶۵ درصد از افراد شاغل در شرکتها حمل و نقل و یا کارگاههای خانگی کار می‌کنند و در این مشاغل هیچ گونه قرارداد کاری وجود ندارد. مسلماً در چنین شرایطی از تعیین ساعات کار، بیمه بازنشستگی و خدمات درمانی نیز نمی‌تواند صحبتی در میان باشد.

این حجم معین از کالاها، مجبور باشند روزانه تا ۱۶ ساعت نیز کار کنند.

عدم محدودیت ساعات کار، عدم وجود وسایل ایمنی کافی در کارخانه‌ها، اجبار کارگران به نظرسنجی و ارائه پیشنهاداتی برای بالا رفتن تولید، حتی وجود تنبیه بدنی در بعضی از کارخانجات، بخشی از شرایط کار کارگران را در این کشور به نمایش می‌گذارند. در کنار این شرایط سخت و استثمار خشن، امکانات اجتماعی کارگران و زحمتمندان ژاپن بسیار پائین است. در این کشور عمدتاً بیمه بازنشستگی وجود ندارد. سایر بیمه‌های

زاین: معدنکولوی، توده عظیمی در آن سوی مرز قرونینستی

در فیلمها و رسانه‌های عمومی کلاً "شرکت‌های یاکوزا بعنوان زاین هود و ناپی ققرا به تاشاچیان القاء می‌نمیدند. در سال ۱۹۸۷ کارکردان زاینی به نام ساتو (Sato) تصمیم داشت واقعت جهره، باند‌ها یاکوزا را در فیلمی که در دست داشت به مردم زاینی بشناساند. وی می‌خواست کار خود را با فیلمبرداری از یک محله فقیر نشین توکیو به نام سانیا (Sania) آغاز کند که مورد شلیک گلوله قرار گرفت.

کارگری که در صنایع ساختمانی به سن ۵۰ سالگی برسد، برای کار سخت و سنگین در این رشته دیگر پیر شده است. این کارگران، در سن ۵۰ سالگی فاقد هرگونه حقوق بازنشستگی، رانده شده به حاشیه جامعه مجبورند در فقر مطلق عوصور شوند. در زاین ۱/۵ میلیون نفر نیازمند به کمک‌های اجتماعی رسماً به ثبت رسیده‌اند و چند صد هزار نفر بی سرپناه وجود دارد. بی سرپناهان و سالمندانی که در جوانی شیر، جانسان کشیده شده و دیگر رمقی برای

کانکسترهای متشکل که در زاین یاکوزا (Yakusa) خوانده می‌شوند، کارکنان خود را از میان ارتش ذخیره کارتا، مین می‌کنند. مافیای زاین از سازمانها و دفاتر متعددی تشکیل شده است که نفوذ خود را تا درون حکومت نیز گسترش داده‌اند و بعنوان نیروی کنترل کننده ارتش ذخیره، کار در رشته ساختمان از طرف سرمایه‌داران بزرگ این بخش، اجیر شده‌اند. حدود یک میلیون نفر بی سرپناه و فرستنده، روزانه نیروی کار، ۵۰۰/۰۰۰ کارگر خارجی که بطور غیرقانونی در زاین زندگی می‌کنند، ۲۴ میلیون اعضای یک کاست مذهبی که از قرون وسطی فسانگون در زاین عضو اقلیت جامعه و به شکل ایزوله از سایر اقتصادار اجتماع زندگی می‌کنند، ارتش ذخیره، کار، در رشته ساختمانسازی را تشکیل می‌دهند و فقط از طریق دلالان مافیایی می‌توانند با فروش نیروی کارشان به شبکه سرمایه‌داران، نان روزانه خود را تأمین کنند.

داشته‌اند و اگر شانس بیاورند می‌توانند چند روزی در ماه بسر کار بروند. بنا به گزارش اتحادیه‌ها، کسانی که نیروی کار خود را روزانه می‌فروشند و محل اقامت دائمی ندارند، به چندین میلیون نفر بالغ می‌شوند. خیل عظیم این تعداد کارگران عمدتاً در صنایع ساختمانی مشغول بکار می‌باشند. برای کار بسیار سخت و مشکل صنایع ساختمان آنان روزانه مزد متوسطی برابر با ۱۳۰ مارک دریافت می‌کنند که این مقدار مزد با توجه به گرانی وسایل اولیه زندگی بسیار ناچیز است. بعنوان مثال می‌توان از قیمت گوشت نام برد که در زاین کیلویی ۵۰ مارک می‌باشد و یا برنج که یکی از غذاهای اصلی زاینها بشمار می‌رود کیلویی ۳۰- مارک می‌باشد. در ارتباط با شرکت‌های ساختمانی زاین، می‌بایستی به نقش مافیا در این کشور نیز اشاره کنیم. چرا که شرکت‌های بزرگ ساختمانی در واقع با تکیه و بوسیله

آنچه امروز در زاین به عنوان دمکراسی بورژوازی و مهد تکنولوژی می‌گذرد، بیکاری میلیونی، زندگی بخور و نمیر و تنازع بقا، پایمال کردن حرمت بشری و تحقیر آن را توأم با خود داراست. این همه آن هم در کشوری که تازه سرمایه داری

چهره آذمخوار خود را چون دیکتاتوری‌های نظامی و حکومت‌های خشن، عریان ننموده است، تاکید مجدد بر لزوم خاتمه دادن هر چه سریعتر به عمر سرمایه‌داری در هر شکلش و در هر جا می‌باشد.



## زن در بارگه اسلام ۳

پادآوری میکنیم که قسمت اول مقاله زن در بارگه اسلام (اثر ا. سیف) در نشریه پویش شماره ۶ به چاپ رسیده بود. متأسفانه مادر شماره قبل به سبب تراکم مطالب موفق به چاپ دنباله مقاله نشدیم. اما اینک بالاخره بعد از ۲ ماه تاخیر، قسمت دوم آن را در این شماره می خوانید.

### ۲- برتری مرد بر زن از نظر عقل

در تمام ادیان، زن موجودی است تابع احساسات و نفسانیات و مرد نقطه مقابل آن، سمبل عقل، درایت و اندیشه. از آنجا که مرد عاقل و مسلح به اندیشه است و تفکر بر عالم نفسانیات غلبه دارد، پس غلبه او بر زن، یعنی زیر مجموعه اول (احساس، عاطفه، نفسانیات) و... امری است بدیهی. بر این منطق است که هر مردی باید بر زن خویش تسلط داشته باشد و اسلام نیز به مثابه یک دین نمی تواند از این حکم بدور باشد. اعلام صریح این نکته که زن نصف مرد است و قانونی نمودن آن در فقه و حقوق اسلامی دلیلی است روشن بر این مسدما.

در اسلام، طبق تمام اسناد و احادیث موجود، مرد "حامی و قیم" زن است و زن جزئی است از اموال او. قرآن در این مورد می گوید: "مردان را بر زنان تسلط و حق نگهداری است. بواسطه برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم بواسطه آنکه مردان از مال خود باید به زنان نفقه دهند" (۲۸) و یا "مردان را بر زنان افزونگی و برتری خواهد بود" (۲۹) بگذریم از اینکه ابتدا خود قانون می گذاشتند که مرد باید از اموال خود به زنان نفقه بدهد و آنگاه بر اساس آن مرد را برتر از زن بشمار می آوردند.

بر اساس این رهنمودها و احکام است که "حضرت رسول فرمود که هر که اطاعت زن خود کند او را سرنگون در جهنم اندازند" (۳۰) پیغمبر برای اینکه بی عقلی زنان را ثابت کند "چون اراده جنگ داشتند با زنان خود مشورت می کردند و آنچه ایشان می گفتند خلاف آن می کردند" (۳۱) و طبیعی است که با این تفکر به این نتیجه برسد که "اگر امر می کردم که کسی برای غیر از خدا سجده کند هر آینه می گفتم که زنان بر شوهران سجده کنند" (۳۲)

تنگ نظری در مورد زن هر چند قبل از اسلام در عربستان وجود داشت ولی دامنه آن تا به این حد غیر انسانی فرموله نشده بود. زن در پاره ای از سایل دارای حقوقی همپای مرد بود. با ظهور اسلام، بر مناسبات خانوادگی نیز که به کمک شمشیر سلطه یافت، مرد حاکم و فرمانده گردید و زن چاکر و محکوم. مرد هر آنگاه که برای حاکمیت خویش احساس خطر کند می تواند به حربه های گوناگون، حتی حکم مرگ توسل جوید. او در این زمینه آزاد و از حق فراوانی برخوردار است. "اگر زنان زن کنند و چهار شاهد گواه آن باشند، آنان را حبس کنید تا مرگشان برسد" (۳۳)

علی بعنوان یکی از بزرگترین وارثان و مفسرین فکری اسلام این مسئله را به گونه ای دیگر می شکافد. او پس از جنگ جمل در خطبه ای اعلام می دارد که "ای مردم همانا زنان هم از نظر عقل و هم از نظر ایمان و هم از جهت بهره و هم از موهبت عقل در مرتبه ای کمتر از مردان قرار دارند و اما کمبود بهره آنان بدین دلیل است که سهمیه ارث آنان نصف سهم مردان مقرر گردیده است." (۳۴) او بر پیروانش حکم می کند که "بپرهیز از مشورت و کنکاش با زنان زیرا اندیشه ایشان رو به تاوانی و تصمیمشان رو به سستی است" (۳۵) و به فرزندش حسن وصیت می کند که "زینهار مشورت با زنان مکین برای

ایشان ضعیف و مزم ایشان سست است و ایشان را پیوسته در پرده بدار و بیرون مفرست و تا توانی چنان کن که غیر از تو مردی را نشنا. سند". (۳۶) وی برای اینکه بر تاثیر حرفهایش شدت بیشتری ببخشد تاکید کرده و هشدار می دهد که "مردی که کارهای او را زنی تدبیر کند ملعون است." (۳۷)

یکی از عللی که نه تنها اسلام، بلکه دیگر ادیان نیز برای برتری مرد بر زن قائلند، ایمان به خلقت زن از مرد می باشد. به این بهانه که گویا زن از بدو خلقت فاقد استقلال در وجود بوده است. گذشته از آن خصوصیات فیزیکی او را دلیل آورده وی را مدیون مرد می گردانند بدینگونه که "اندام درشت تر مرد" و "مغز بزرگتر" او عللی می گردند تا زن نتواند در علوم استدلالی و مسائل خشک عقلانی به پای مرد برسد. (۳۸) از نظر اسلام این نابرابری برای ثبات و وجود جامعه لازم است و "خداوند حکیم برای استواری نظام خلقت و تحکیم روابط اجتماعی و نظام خانوادگی تفاوتی را در خلقت زن و مرد قرار داده... تفاوت بین زن و مرد نظیر تفاوت بین اعضای بدن از قبیل چشم و گوش و دست و پا سایر اعضاء می باشد... و مسلم است که اگر خداوند سبحان زن و مرد را از جهت وغرایز و خصوصیات روحی همسان و همانند هم خلق می نمود هر یک خود را موجودی مستقل و بی نیاز از دیگری احساس می نمود و از همان ابتدا اساس خانواده که اساس جامعه است تشکیل نمی گردید... زن مظهر مهربانی و عاطفه است و مرد مظهر عقل و تدبیر... در مرد بی باکی بیشتر است و در زن ترس... زن به فن و ادب متمایل تر است و مرد به علوم استدلالی و تفکر... مرد در فکر تسخیر جهان است و زن در صدد تسخیر مرد... مرد سعادت خود را در مال و مقام و شهرت می یابد و زن در جلب توجه مرد به خویش... (۳۹) منتظری این "نابرابری عقلی را" دلیلی برای این حکم اسلام می داند که حق زن نصف حق مرد است، و میگوید "و اما در مورد اختلاف و میراث مرد و زن، هنگامی که ما به مجموعه مردان و زنان در انتقال ثروتها از نسل به نسل دیگر توجه کنیم در می یابیم که مال در تولید و تکثیر و نگهداری نیاز به عقل و تدبیر و معامله و معاشرت دارد و لذا خداوند سبحان در این مرحله به دلیل مراعات کرامت انسانی زنان، اختیار دوشلث را به دست مرد سپرده است، چون حفظ مال و ثروت کار آسانی نیست" (۴۰) با استناد بر تاریخ اجتماعی عرب و بر طبق احادیثی که مسلمانان

از زندگی مردم در عصر پیغمبر یادند، بر خلاف این نظر که قبل از اسلام "زنان حتی در انتخاب شوهر نداشتند و آیات آزادیبخش قرآن زنان را برای شوهر نمودن و انتخاب شوهر آزاد گردانیست." (۴۱) انتخاب شوهر و طلاق او از حقوقی بود که در بسیاری از مناطق از سرزمین های اعراب، زنان آن بهره مند بود، گذشته از آن زن می توانست حتی با آنکس که مورد پسندش واقع می شد در صورت توافق طرف مقابل همخوابه شود. امری که اسلام برایش حکم مرگ (در صورت شوهر داشتن) و یا صد ضربه شلاق (در صورت نداشتن شوهر) و سنگسار و... معین نموده. همینطور زن حتی حق داشت به تقاضای جنسی

## زن در بارگه اسلام

شوهر جواب منفی دهد، امری که در اسلام مود نکوهش واقع شده و گاهی است ناخوشودنی که شرعا می تواند تنبیه و طلاق نیز بدنبال داشته باشد.

در اینکه زن و مرد از حقوق مساوی برخوردار نیستند، هیچ مسلمان -ی را شک نیست. اسلام این مسئله را به "طبیعت زن و مرد" ارجاع می دهد و امری لازم برای اجتماع و خانواده می داند. "عدم تشابه حقوق زن و مرد در حدودی که طبیعت زن و مرد را در وضع نامشابهی قرار داده است هم با عدالت و حقوق فطری بهتر تطبیق می کنند و هم سعادت خانوادگی را بهتر تامین می نماید. و هم اجتماع را بهتر به جلو می برد." (۴۲)

"تساوی حقوق" به زعم فقها و تشویبیین های اخیر اسلام -یک بیماری وارده از غرب است و هر آنکس که از این مقوله صحبت به میان آورد طبیعی است که غریزه تلقی گردد. "کلمه تساوی حقوق یک مارک تقلبی است که مقلدان غرب بر روی این ره آورد غربی چسبانده اند." (۴۳) چرا که اصلاً بحث بین "طرفداران حقوق اسلامی" و "طرفداران پیروی از سیستم های غربی" بر سر "مسئله وحدت و تشابه" حقوق زن و مرد است نه تساوی حقوق آنها" (۴۴) شریعتی نیز ضمن توافق با این نظر، عقیده دارد که اسلام "تبعیض راجعیت میداند و تساوی را نادرست" و می گوید "اسلام بر خلاف تمدن غربی طرفدار اعطای حقوق طبیعی به این دوست و نه حقوق مساوی و مشابه" (۴۵)

صدای اعتراض اسلام به وجود زن در اجتماع است، شخصیتی که باید در خانه "محبوس بماند" چون "از خود اختیاری ندارد" (۴۶) شخصیتی که "اگر گاهی در سالهای جوانی مفتون عبارات و اصطلاحات سیاسی می گردد، احساسات خود را به همه جنبه های انسانی بسط می دهد، پس از دریافتن شوهر وفاداری، از تمام آن فعالیت عمومی بیرون می کشد و به شوهرش یاد می دهد که حس وفاداری شدید خود را به خانه محدود کند" (۴۷) شخصیتی که "بدون آنکه نیاز به تفکر داشته باشد میدانند که تنها اصلاحات سالم از خانه برمی خیزد" (۴۸) چرا که وظیفه زن در خانه است، او در خانواده مسئولیت دارد که درجه اول نیازهای جنسی و غیر جنسی مرد را برطرف نماید و سپس از آن باید دو امر مهم دیگر یعنی خانه داری و بچه داری را به پیش ببرد. بزم اسلام هر آنچه بخواهد با این فرمول در تضاد قرار گیرد، مظهر فساد است و در تقابل با عقل و سرشت آدمی.

اسلام در این زمینه از این زاویه با پیشرفت جامعه به مقابله برمی خیزد که جوامع غربی "زن و عشق را که همواره در "هاله" ای از اقداست و خیال و روح و الهام و شعر و اسرار دست نیافتنی بود بر روی تخته تشریح گذاشتند و تجزیه و تحلیلش کردند... زن در گذشته عضو خانواده بود و اگر شخصیت مستقل انسانی نداشت، در خانواده

که - یک روح واحد بود - حل شده بود کم کم از لحاظ اقتصادی هم استقلال یافت چون توانست در خارج کار کند و زندگی صنعتی و پسر تحرک و پیچیده و جدید و توسعه روز افزون مشاغل اجتماعی، زنان را نیز از خانه بیرون کشید و بکار واداشت" (۴۹) مخالفت با کار زن در خارج از خانه و در نتیجه استقلال اقتصادی وی، از این زاویه محکوم می گردد که "استقلال اقتصادی، از لحاظ اجتماعی نیست - استقلالش کرد و بعد در کنار شوهر و فرزندان، وجود بالذاتی می یابد

و مستقل می شود." (۵۰) زیرا کار در اجتماع و تفکر بر روی آنها باعث می گردد تا سرانجام زن "از بسیاری از قیدهای اجتماعی و مذهبی آزاد گردد. در همین حال (حسابگری زن) بسیاری از احساسات عمیق و مرموز و غیر عقلی و انسانی را از او گرفت و تنها پیش کرد زیرا - استقلالش کرده بود." (۵۱)

استقلال زن مقوله ای است که بر اساس این بینش، اعتبار "زن بودن" را مخدوش می نماید، اگر زن چنانچه گاه در جامعه مطرح می شود، طبیعی است جنبه "مصلحتی" دارد و نه ریشه در واقعیت، زندگی امروز، برای "اسلام روز" می طلبد که به آن توجه نماید. برای نمونه می توان به حرفهای خانمهای رئیس جمهور با مجله زن روز توجه کرد. وی در مورد شرکت زنان در مجلس می گوید "تعداد خانمهایی که برای مجلس انتخاب می شوند میتواند خیلی بیشتر از ۴ نفر باشد، هم از لحاظ مصلحت و هم از نظر واقعیت های خارجی ۴۰ نفر زن هم در مجلس باشند بد نیست." "مصلحت" و "واقعیت های خارجی" هستند که به زن مسلمان ایرانی اجازه می دهد در مجلس رؤیسم شرکت داشته باشد نه نمایندگی مردم، چرا که اصلاً زن نمی تواند نمایندگی مرد باشد، امری که خانمهای خود نیز به آن اقرار دارد، "البته به شما بگویم حضور زنها از لحاظ نمایش دادن دخالت زنان در جامعه چیزی بدی نیست... اما نباید منحصرمان نمایشی باشد" و طبیعی است این "نمایش" برای زن به مثابه مشورت و رای دادن و تصمیم گیری همپای مردان در مجلس نیست، چون از "مشاوره با زنان پرهیز زیرا نظر آنان ناقص و تصمیمشان ناپایدار است" (۵۲). امری که منتظری از آن به نتایج عملی تری می رسد: "در این روایت از مشورت کردن با زنان پرهیز داده شده، اگر زن برای مشورت در امور حکومتی صلاحیت نداشته باشد بطور اولی شایستگی واگذاشتن مسئولیت حکومت و قضاوت به وی که به فکر و تدبیر قوی نیازمند است را ندارد... و واگذاشتن ولایت و حکومت به زنان و بهادادن به آنان بیش از حد طرفیت و توانایی جسمی و روحی آنان است" (که در این روایت از تحمیل آن نهی گردیده) مگر اینکه گفته شود نهی از تملیک که در این روایت آمده منظور آن در محدوده مسائل خانوادگی است نه مسائل اجتماعی (۵۳) برتری مرد بر زن از نظر عقل و دانش و خرد بالطبع در مسائل حقوقی اسلام بازتاب و سیع تری می یابد. حداکثر حقی که اسلام از نظر حقوقی برای زن قائل است برابر است با نصف حق مرد که آنهم بیشتر در حق ارث تجلی پیدا می کند. در بیشتر موارد حق زن به صفر و صا بهتر گفته شود، به بی حقی تنزل می یابد، علت در تمام موارد عاقل بودن مرد است: "و اما در مود قصاص و دیه زن و مرد شاید به این دلیل بوده که به خاطر داشتن عقل و تدبیر بیشتر فایده وجودی او در زندگی اجتماعی بیشتر از زن است." (۵۴) در مورد طلاق و دیگر حقوق نیز این قانون صادق و اساس است. "با توجه به تفاوت های طبیعی که در خلقت زن و مرد مطرح گردید، حکمت قرار دادن طلاق بدست مردان و تفاوتی که بین زن و مرد در میراث و دیات مقرر گردیده مشخص میشود زیرا طلاق برای خانواده و جامعه بسیار زیانبار می باشد. و اگر بدست زن قرار داده شده بود هر روز بعنوان های مختلف در شرایطی که احساسات بر وی غلبه می کرد و عواطف وی برانگیخته می شد شوهر خویش را طلاق می داد و زندگی خود و خانواده را بسه تباهی می گشاید. اما چون روح اندیشه و تدبیر و توجه به عاقبت در کارها در مرد قوی تر است و معمولاً مرد هنگامی که به عاقبت زشت طلاق و زیانهایی که به خود و خانواده اش وارد می گردد، می اندیشد از ارتکاب بدان خودداری نموده و کمتر به چنین عمل شنیعی دست می زند." (۵۵)



## زن در بارگه اسلام

بر این اساس است که مرد حق دارد حتی بدون اطلاع همسرش وی را طلاق دهد. امری که در جوامع اسلامی فراوان دیده می شود. براساس این تفکر همچنین خانواده بدون مرد فاقد معنی می گردد، چرا که ستون فقرات خانواده در اصل مرد است. "وقتی که علاقه بین زن و مرد وجود نداشته باشد، طبعاً زیر بنای کانون خانوادگی از میان رفته است. مخصوصاً اگر تنفر از ناحیه مرد باشد. زیرا سر رشته علقه خانوا - دگی در جانب مرد است... اگر مرد علاقه مند می شود، زن به محبوب داشتن اهمیت نمی دهد، به محبوب بودن اهمیت می دهد، یعنی زن آن مردی را دوست می دارد که او را دوست بدارد، مردی محبوب اوست که او محبوب آن مرد باشد. لهنذا کلیه علقه خانوادگی در دست مرد. همچنین که علقه مرد از بین رفت کانون خانوادگی بطور طبیعی منحل است." (۵۶)

جمهوری اسلامی نیز درست از این زاویه زن زدایی را از اجتماع شروع کرد و بعنوان سرآغاز بیورش به زن، ممنوعیت کار قضاوت را برای زنان اعلام و عملی نمود، برای اسلام هیچ تنگی نمی تواند بالاتر از این باشد که زن بر مسند قضاوت تکیه زند. قاضی را در اسلام "عقل و درایت" باید، چیزی که زن فاقد آن است. "حکومت با تمام شعبه - های آن که یکی از آنها قضاوت است از وظایف خطیری است که به سرنوشت همه مردم و مقدرات آنان مربوط می گردد و کوتاهی در انجام مسئولیتهای آن چه رسد به تفسیر، موجب ضرر و زیانهای بسیار زیادی می گردد و انجام مسئولیتها اگرچه به عواطف نیز نیازمند است و لکن به عقل و تدبیر بیشتر نیازمند می باشد، چنانکه بر اهلهش پوشیده نیست، علاوه بر اینکه حکومت مستلزم مشکلات زیادی است و قهراً چنین باری را به دوش زنان گذاشتن با توجه به ظرافت جسمی و روحی آنان و نیازشان به سکون و آرامش و فرار از درگیریها، عملی ناپسندیده نمی باشد" (۵۷)

مدرسه و آموزش از دیگر اموری است که از ابتدای وجود، مخالفست مذهب را با خود همراه داشت. تا شیر مرور زمان و پیشرفت جامعه باعث عقب نشینی مذهب گردید ولی این عقب نشینی در مورد زن، همانند مرد انجام نپذیرفت. طبیعی است با تعیین جایگاه زن در اسلام جایی برای بحث در زمینه تحصیل وی باقی نماند. ممنوعیت تحصیل در بسیاری از رشته های دانشگاهی برای دختران در جمهوری اسلامی و توصیه مکرر مسئولین رژیم به آنان مبنی بر تقبل و توجه به خانه داری، امری است که باید از این راستا نگریسته شود.

در این مورد، مجاهدین نیز چون جمهوری اسلامی به طریقی دیگر به "مصلحت" معتقدند. گرچه آنان "قرآن" را متحول و به هر عصر و دوره ای قابل کاربرد می دانند و "دستورالعملهایی که در زمان خاصی صادر شده و متاثر از شرایط اقتصادی - اجتماعی و تاریخی آن دوره بوده (را) منسوخ می دانند" (۵۸) ولی برتری مرد بر زن بشکل پارزی در اعمال و گفته هایشان به چشم می خورد. برای نمونه مجاهدین علت "انقلاب نوین" خویش، یعنی جریان آخرین همسرگزینی رجسوی را در این می دانند که "می بایست حتی برای یک دوره هم که شده زنی با صلاحیت مکفی در راس رهبری سازمان بنشیند و واقعا و بطورمادی و نه فرمالیستی، سرنوشت انقلاب را مثل یک مرد بدست بگیرد و معضلات انقلاب قدم بقدم بوسیله او و اندیشه یک مرد حل بشود" (۵۹) اگر از بحثهای دیگر حول این نقل قول بگذریم، این نکته قابل ذکر است که اولاً زن فاقد "صلاحیت مکفی" برای رهبری است و اگر در رهبری نشست باید "سرنوشت انقلاب را مثل یک مرد" در دست بگیرد

و نه مثل یک زن. در ثانی اندیشه او به اضافه "اندیشه یک مرد" باعث حل "معضلات انقلاب" می شود نه به تنهایی. از آن گذشته بر خلاف ظاهر سازیه و مصلحت گرایی های روزانه، با استناد به نوشته های مجاهدین، آنان هیچگونه اختلاف، اعتراض و انتقادی از گفته های قرآن و نهج البلاغه و... و کردار پیغمبر و دیگر امامان در مورد زن ندارند و در اصل "مجاهدین را هیچ اختلافی با مجاهدین صدر اسلام نیست" (۶۰)

ادامه دارد



## یادداشتها

- ۲۸ - سوره نساء، آیه ۳۸  
 ۴۹ - سوره بقره، آیه ۲۴۸  
 ۳۰ - حلیه المتقین، ملا محمد باقر مجلسی، ص ۷۷  
 ۳۱ - همانجا  
 ۳۲ - همانجا  
 ۳۳ - سوره نساء، آیه ۱۴، قرآن  
 ۳۴ - کیهان ۲۳ تیر ۱۳۶۷ به نقل از منتظری  
 ۳۵ - نهج البلاغه ص ۹۳۹  
 ۳۶ - ملا محمد باقر مجلسی، مذکور، ص ۷۶  
 ۳۷ - همانجا

## اعتصاب مددکاران نرفی در نیکاراگوئه و

عقب نشینی دولت چامورو

به دنبال دعوت اتحادیه کارگری FNT (جبهه ملی کارگران) که رهبری آن در دست ساند نیست ها می باشد، بیش از ۱۰۰ هزار کارگر از تاریخ ۲۶ ژوئن به منظور اعتراض بر علیه پائین بودن میزان دستمزد ها و نیز اخراجهای دسته جمعی وارد اعتصاب شدند . این اعتصاب از شهر ماناگوا شروع گردید و دامنه اش به دیگر شهرهای نیکاراگوئه نیز کشیده شد . کارگران خواهان افزایش دستمزدی - برابر با ۳۴۰ مارک آلمان غربی بودند . اتحادیه FNT لیستی مرکب از ۱۸ خواسته را پیش روی رژیم قرار داده که براساس آنها حق شرکت و مداخله اتحادیه های کارگری در سیاست اقتصادی

و سیاست مربوط به اشتغال در نیکاراگوئه عنوان می گردد . به غیر از خواست افزایش حداقل دستمزد به میزانی برابر با ۲۰۰ دلار، افزایش میزان حق بازنشستگی، پرداخت قرضهای میلیونی دولت به کشاورزان به منظور جلوگیری از ورشکسته و بیکار شدن آنان، فعال کردن صنعت از طریق کار برد پولی که رژیم به عنوان کمک مالی در همین زمینه در کنفرانس رم دریافت کرده است، عدم بازگرداندن زمینهای کشاورزی صادره شده به مالکین سابقشان که از وابستگان رژیم ساموزا می باشند، افزایش امکانات و وسایل بهداشتی و آموزشی و نیز حمل و نقل از دیگر خواستههایی می باشند که اتحادیه

بقیه از صفحه ۱۴

## ژاپن : مهد تکنولوژی، توده عظیمی در آن سوی مرز فقر و نیستی

استثمار شدن ندارند، رانده شدگان به حاشیه جامعه و ایستگاه آخر می باشند. ایستگاه آخر، محلات فقیرنشین است که از سایر محلات ایزوله شده اند . برای محلات کنترل شدید پلیسی سيطرة مخوف خود را - گسترده است و همان جا باند های مافیای یاکوزا چون اختاپوسی وجود نکبتبار خود را بر حیات و

زندگی مردم تحمیل نموده است . آنچه امروز در ژاپن به عنوان دمکراسی بورژوازی و مهد تکنولوژی می گذرد، بیکاری میلیونی، زندگی بخور و نمیر و تنازع بقا، پایمال کردن حرمت بشری و تحقیر آن را توأم با خود داراست . این همه آن هم در کشوری که تازه سرمایه داری

مهبوش نظری - ۱۸ یونی ۹۰

## گسترش اعتصابات در سه ماهه آخر سال ۶۸

بقیه از صفحه ۱۲

دفاع کند . و در تبلیغ برای آن ورشد و تحکیم آن بکوشد . □

ایران است .

تنها این نیرو و قدرت خود کارگران است که می تواند تغییر و تحول جدی و موثری در وضعیت مردم ستم دیده ایران پدیدار کند . و هر نیرو، جریان و کسی که واقعا " بخواهد از حقوق مردم دفاع کند، باید از مبارزات مستقل کارگران و مردم تحت ستم ایران

یادداشت : ۱- اطلاعات مندرج در مقاله حاضر درباره اعتصابات سه ماهه آخر سال ۶۸ از نشریه " کمونیست " تیرماه ۶۹ اقتباس و تلخیص شده است .

## زن در بارگه اسلام

یادداشت :

- ۳۸ - مطهری ، نظام حقوق زن در اسلام ، بخش تفاوت های زن و مرد  
 ۳۹ - منتظری ، تقسیم مسئولیتهای جامعه بر اساس خلقت زن و مرد مذکور .  
 ۴۰ - منتظری ، مذکور ، کیهان ۲۳ تیر ۱۳۶۷  
 ۴۱ - طالقانی ، توی از قرآن جلد دوم ص ۱۴۹  
 ۴۲ - مطهری ، نظام حقوق زن در اسلام ، ص ۱۲۳  
 ۴۳ - مطهری ، مذکور ، ص ۱۲۲  
 ۴۴ - مطهری ، مذکور ، ص ۱۲۲  
 ۴۵ - شریعتی ، زن چشم و دل محمد ، ص ۵  
 ۴۶ - پیغمبر در خطبه وداع ، خطاب به یارانش  
 ۴۷ - مطهری ، مسئله حجاب ، ص ۱۸۸  
 ۴۸ - همانجا  
 ۴۹ - شریعتی ، فاطمه فاطمه است ، ص ۵۹  
 ۵۰ - همانجا  
 ۵۱ - همانجا  
 ۵۲ - از وصیت علی به پسرش حسن به نقل از منتظری ، کیهان ۲۷ تیر ۱۳۶۷  
 ۵۳ - منتظری ، کیهان ۲۷ تیر ۶۷  
 ۵۴ - منتظری ، کیهان ۲۳ تیر ۶۷  
 ۵۵ - همانجا  
 ۵۶ - مطهری ، مسئله حجاب ، ص ۱۳۹  
 ۵۷ - منتظری ، همانجا  
 ۵۸ - مجاهد شماره ۲۲۹  
 ۵۹ - مجاهد شماره ۲۵۵ ، سخنرانی مهدی ابریشم چی در ارتباط با ازدواج مریم و مسعود  
 ۶۰ - مجاهدین ، کتاب تبیین جهان ، دفتر اول ، ص ۴۱

تلویزیون، موقعیت خود را تقویت کند. ولی با این وجود کارگران توانستند اعتصاب خود را با موفقیت به مدت دو هفته به پیش برند. سرانجام در روز پنج شنبه ۱۲ ژوئن اتحادیه FNT و رژیم نیکاراگوئه توافق نامه‌ای را امضا نمودند که براساس آن رژیم نیکاراگوئه نه تنها مجبور به تن دادن به پاره‌ای از خواسته‌های اقتصادی کارگران شد بلکه حتی برخی خواسته‌های <sup>سیاسی</sup> ایشان را نیز پذیرفت.

( لازم به ذکر است که قبل از شروع این مذاکرات، کارگران و پلیس مشترکا دست به جمع‌آوری با ریکادها زدند تا مذاکرات بتواند در یک فضای مسالمت آمیز و توأم با تفاهم پیش برود )

از جمله مفاد این موافقتنامه چنین است :

- افزایش دستمزد کارگران و کارمندان به میزان ۴۳ درصد .

( خواست حداقل دستمزد برابر با ۲۰۰ دلار نتوانست به طور کامل تحقق یابد ) .

- از سپتامبر می‌بایست حداقل بخشی از دستمزد کارگران به طلا- کورد ویاس ( که واحد پول جدیدی است ) پرداخت شود .

- دادن حق صونیت از اخراج به کارگرانی که تا تاریخ ۱۱ ژوئیه به سرکار بازگشته‌اند .

- عدم اجرای مقرراتی که براساس آن امکان بازپس دادن زمینهای کشاورزی به وابستگان رژیم ساموزا را عملی می‌نمود .

علاوه بر اینها رژیم مسئولیت براه اندازی و فعال کردن صنایع به منظور حفظ هزاران محل کار را به عهده می‌گیرد .

برخی از خواسته‌های اتحادیه FNT هنوز بدون پاسخ مانده‌اند ولی قرار شده است که این خواسته‌ها در درون یک کمیسیون مورد بررسی قرار گیرند .

۲۰ ژوئیه ش . ط .

گزارش فوق با استفاده از مقالات روزنامه TAZ و نشریه Rote Fahne نوشته شده است .



توضیح ماهنامه پویش : رفیق عزیزش . ط . قبول زحمت نموده و گزارش فوق را برای نشریه پویش ارسال داشته است . ما ضمن تشکر از ایشان لازم می‌دانیم تذکر دهیم که گزارش فسوق با استفاده از منابع آلمانی زبانی که در دسترس بوده، تهیه شده است و همانطور که خوانندگان عزیز در جریان هستند، مطبوعات آلمانی زبان غالباً در باره ایشگونه رویدادها یا گزارشات مبسوط و موثقی ارائه نمی‌دهند و یا اگر هم گزارشاتی در این موارد درج کنند، در بسیاری مواقع همه جانبه نیست .

اعتصاب صد هزار نفری در نیکاراگوئه و عقب نشینی دولت چامورو

بازره برای تحقق بخشیدن به آنها را هدف خود قرار داده است . این اعتصاب پس از گذشت مدت کوتاهی از آغاز شکل گیری اش تبدیل به یک صحنه زور آزمایی بزرگبین رژیم نیکاراگوئه از یک سو و کارگران از سوی دیگر گشت به نحوی که نیکاراگوئه را تا سرحد یک جنگ داخلی کشاند . تعداد زیادی از کارخانه‌ها و نخست وزیری تا روز ۱۰ ژوئیه تحت اشغال کارگران اعتصابی بودند و شهر ماناگوا به حالت نیمه فلج در آمده بود . به دنبال قطع مذاکره با اتحادیه FNT از طرف رژیم نیکاراگوئه در آغاز اعتصاب و نیز فراخواندن ارتش و پلیس برای سرکوبی اعتصاب، اتحادیه FNT خواهان آماده شدن کارگران و مردم برای نبرد از یک سو و ادامه روند مذاکرات با دولت نیکاراگوئه از سوی دیگر شد . کارگران و مردمی که با آنان احساس همبستگی می‌کردند، مشترکا دست به پریایی بسا ریکادها در خیابانها زدند . تعدادی از آنها در این بین خود را مسلح نموده تا بتوانند در قبال حملات اعتصاب شکنان که از طرف دولت چامورو سازماندهی شده و از استانهای دیگر به محل اعتصاب فرستاده می‌شدند، دفاع کنند . در حملات مسلحانه اعتصاب شکنان به کارگران اعتصابی حداقل ۴ کارگر کشته و دهها کارگر زخمی شدند .

در زمینه خصلت و هدف این اعتصاب، مسئول روابط بین المللی اتحادیه FNT به نام Luciano Torres، چنین می‌گوید : " ما خواهان سرنگونی رژیم نیستیم ، این رژیم در انتخابات اخیراً آورده و حالا نیز باید به شیوه دموکراتیک حکومت کند . . . "

اعتصاب ما اقتصادی بوده و در چهارچوب مبارزه اتحادیه‌های صورت می‌گیرد زیرا روشها و اقداماتی که رژیم در پیش گرفته تهاجم به دستمزد کارگران می‌باشد . . . رژیم نیکاراگوئه دستمزد کارگران را براساس پول نیکاراگوئه ( کورد ویاس ) پرداخت می‌کند ولی قیمت آب و برق و دیگر نیازهای اولیه زندگی را براساس دلار می‌سندج ما تعرض خود را تنها متوجه آن سیاست اقتصادی می‌کنیم که کشورمان را در یک بحران عمیق فرو می‌برد . "

در طول اعتصاب، دولت نیکاراگوئه سعی کرد که از طریق اختناق و اعمال فشار در جامعه از جمله تعطیل برنامه رادیویی ساند نیستها به نام Laprimerissima، جلوگیری از پخش یک برنامه خبری انتقادی از تلویزیون و دستگیری کوتاه مدت کارگران

کوشه حاشی از اعترافات رژیم در قبال زلزله اخیر!

امروز بر کتر کسی پوشیده است که رژیم جمهوری اسلامی بزرگترین عاملی بود که سبب گردید تعداد کشته شدگان، مجروحان و بی سرپناهان زمین لرزه اخیر در استان های گیلان و زنجان تا این درجه بالا برود.

این رژیم نه تنها در طول یازده سال حکومت ننگین خود کوچکترین تلاشی برای احداث ساختمانها و اماکن مسکونی مطابق با استانداردهای بین المللی و مقاوم در برابر زمین لرزه نکرده و به ایجاد امکانات رفاهی برای کل جامعه کاملاً بی اعتنا بوده است، بلکه از همان لحظه وقوع زمین لرزه به انحاء گوناگون در امر کمک رسانی سریع و موثر، به کسانی که زنده زیر آوار مانده بودند و یسا مجروح و مصدوم شده بودند، مانع ایجاد نموده است. ارگانهای جمهوری اسلامی تا چند روز پس از این حادثه جانکد از کار تجسس و کند و کاو به منظور نجات زندگان از زیر آوار را آغاز نکردند و زمانی شروع به این کار نمودند که دیگر بسیار دیر شده بود.

این رژیم کار گروههای پزشکی و امداد خارجی را که برای کمک به زلزله زدگان به ایران آمده بودند با موانع متعددی روبه رو ساخت، به جای سازمان دادن و کانالیزه کردن همیاری مردمی که مشتاقانه خواهان کمک به آسیب دیدگان و مجروحان بودند از این همیاری جلوگیری نمود، از تحویل خونهای اهدایی خارج به بهانه اینک آلوده به میکروب "ایدز" هستند سر باز زد، سگ های آموزش دیده مخصوص تجسس زندگانی که زیر آوار مانده بودند را نجس خواند و آنها را از تجسس و پیدا نمودن زنده ها باز داشت، در قبال مداوای مجروحین این حادثه با بی مسئولیتی و سهل انگاری تمام رفتار کرد و . . . . .

ابعاد این اعمال غیر انسانی و جنایت آمیز رژیم نسبت به زلزله زدگان چنان است که علی رغم وجود هیولای سانسور، انعکاس آن در رسانه های دولتی و بیانات مسئولین رژیم نیز دیده میشود.



به چند نمونه از بیانات و اعترافات مسئولین و رسانه های رژیم توجه کنیم:

روزنامه جمهوری اسلامی مورخ دوم تیر آمریکا را مسئول شدت تلفات زلزله می داند. زیرا به زعم این روزنامه آمریکا از عمران ایران توسط رژیم اسلامی ممانعت به عمل آورده است! هر چقدر هم که این ادعا پوچ و مضحک باشد، حاوی این حقیقت است که نمی توان تلفات بسیار بالای ناشی از زمین لرزه را با عوامل طبیعی توضیح داد و باید برای آن يك علت اجتماعی جستجو نمود. این

امرد در عین حال اعترافی است به اینکه جمهوری اسلامی به عمران ایران و رسیدگی به مسائل رفاهی مردم نپرداخته است. از این اعتراف تا شناختن جمهوری اسلامی به عنوان مسبب اصلی و واقعی مرگ و مجروح شدن صدها هزار انسان، فاصله زیادی نیست.

از ابلاهی گزارشهای کیهان دولتی روزهای دوم و سوم تیر می توان اخبار تکان دهنده ای در مورد تاءخیر چند روزه در تجسس زندگانی که در زیر آوار مانده بودند، تحلیل رژیم در کمک به مجروحان کمبود شدید امکانات درمانی و جلوگیری رژیم از همیاری مردم به زلزله زدگان بدست آورد. ما در "پویش" شماره قبل به پاره ای از این اعترافات کیهان اشاره نمود ایم.

مهدی جابری فرماندار رودبار در اواسط تیر اعلام کرد که بسیاری از خانواده های زلزله زده رودبار که ناکزیر به تهران و قزوین عزیمت کرده اند تا در این دو شهر اسکان داده شوند با پاسخ منفی و بی اعتنائی شهرداران و فرمانداران تهران و قزوین مواجه شده و به خاطر نداشتن مکانی برای زندگی، با اثاثیه شان در خیابان های دو شهر مذکور سرگردان مانده اند و - مقامات حکومتی چند آن علاقهای جهت کمک به آنها نشان نمی دهند.

با وجودیکه معاون رئیس جمهور - مسعود روضی زنجانی - تنها خسارات وارد آمده به استان گیلان را ۵۰ میلیارد تومان برآورد نموده و وزیر کشور عبد الله نوری در صاحبه ۱۰ تیر خود مجموع هزینه بازسازی را رقمی بسیار بیش از ۹۰ میلیارد تومان عنوان کرد، در بودجه سال جاری تنها مبلغ ۲/۷ میلیارد تومان برای جبران خسارات ناشی از حوادث غیر مترقبه پیش بینی شده است.

این همه در حالی است که مسعود روضی زنجانی اعلام کرده است که برنامه های مربوط به بازسازی مناطق زلزله زده هیچ تأثیری در تحقق اهداف برنامه پنج ساله اول "جمهوری اسلامی نخواهد داشت. بیان این امر به معنای آن است که جمهوری اسلامی قصد ندارد در برنامه های خویش تخییری ایجاد نموده و برای جبران خسارات وارده به اختصاص بودجه و انجام اقدامات جدی دست بزند.

در این رابطه باید متذکر شد که مجموع کمک های گروهها و امداد بین المللی به زلزله زدگان به گزارش سازمان ملل متحد ۲۶ میلیون دلار بوده است که این مبلغ تنها میتواند بخش کوچکی از هزینه بازسازی مناطق زلزله زده را تأمین نماید و مسلماً بدون اختصاص بودجه و برافه ریزی در این زمینه امر بازسازی این مناطق پیش نخواهد رفت. □

## اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

### چند دروغ شاخدار

عبدالله نوری - وزیر کشور جمهوری اسلامی در صاحبیه ۱۶ خرداد خویش در جلوی چشمان حیرت زده خبرنگاران داخلی و خارجی می گوید: " در کشور ما خبرنگاران و حتی غیر خبرنگاران از يك نوع آزادی بسیار بالایی برخوردارند !"

وی در ادامه صاحبیه در مورد " حجاب زنان " مدعی می شود که " رعایت حجاب به شکل اجباری نبوده که با فشار و برخورد های خشن توأم باشد " !

وزیر کشور که گویا از دروغهای شاخدار خویش به وجد آمده بود، در پاسخ به سوال مربوط به میزان موفقیت جمهوری اسلامی در زمینه ریشه کن ساختن فساد و فحشاء، حتی آمارهای رسمی رژیم را نیز با پرویی نفی نموده و می گوید: " یکی از موفقیت های اصلی ما کنترل فساد و فحشاء بوده است و به هیچوجه مشکلات اقتصادی که در بعضی کشورها باعث خود فروشی ها شده در ایران چنین اثری نداشته است " !

**دولت ارزش ۱۰۰ تومانی مردم را ۳ تومان کرده است !**

بر طبق آمار رسمی حجم پول در گردش ایران در سال ۱۳۶۷ معادل ۱۶ هزار میلیارد ریال برآورد شده است. مقدار در سال ۱۳۵۲ یعنی ۱۶ سال پیش فقط ۵/۸ میلیارد ریال بوده است. یعنی حجم پول حدود ۳۱ برابر شده است. از سوی دیگر براساس برآورد کارشناسان دولتی، تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۶۷ حدوداً معادل سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ بوده است. یعنی در سال ۱۳۶۷ ایران همانقدر تولید داشته که در ۱۶ سال پیش داشته است.

بنابراین با وجود حجم کالا یکسان در مدت این ۱۶ سال در بازار، حجم پول حدود ۳۱ برابر شده است. یا به بیان دیگر هر ۳۱ تومان پول در دست مردم این همان مقدار ارزش و یسا قدرت خرید دارد که يك تومان ۱۶ سال پیش.

(۱) آمار از کیهان دولتی چهارشنبه ۳ مرداد ۱۳۶۹

○

### بازپرس، سوئیسی، جمهوری اسلامی را قاتل کاظم رجوی معرفی کرد

روزنامه فرانکفورتر روند شاو مورخ ۲۵ یونی از ترور کاظم رجوی توسط تروریست های جمهوری اسلامی خبر می دهد .

فرانکفورتر روند شاو در متن خبری با عنوان " تهران قاتل ارسال داشت " از رونالد شاتلین بازپرس، مسئول رسیدگی به قتل کاظم رجوی، چنین نقل می کند که يك یا چند تن از ما موران دولتی ایران مستقیماً در قتل کاظم رجوی دست داشته اند .

این خبر حاکی است که بازپرس مذکور تا به حال به ۱۳ ما مور دولتی ایران که دارای پاسپورت دیپلماتیک بوده و در قتل کاظم رجوی شرکت داشته اند، برخورد نموده است .

یادآوری می شود کاظم رجوی، مسئول اروپایی سازمان مجاهدین خلق و برادر مسعود رجوی، در تاریخ ۲۴ آوریل در سوئیس به قتل رسید . ○

### تلفات و خسارات زمین لرزه اخیر به زبان آمار رسمی

در مورد رقم کشته شدگان، مجروحان و بی سریناهان ناشی از واقعه جان گداز زمین لرزه در استان های کیلان و زنجان آمارهای متناقضی از جانب جمهوری اسلامی ارائه شده است .

در این رابطه راد یوی جمهوری اسلامی چهار روز پس از این حادثه تعداد کشته شدگان را ۷۵ هزار تن، مجروحین و صدمین را ۱۵۰ هزار تن و رقم بی خانمانان را بیش از نیم میلیون تن اعلام کرد که ارقام واقعی بیشک بسیار فراتر از این ها است .

در زمینه خسارات به خانه ها و ساختمانها، در کیهان دولتی مورخ ۱۱ تیر قید شده که در اثر زلزله در دو استان کیلان و زنجان به ۹۳۷۹۴ واحد مسکونی و تجاری بین ۱۰ تا ۱۰۰ درصد آسیب رسیده است . در همین شماره کیهان از عبدالله نوری وزیر کشور نقل قول می شود که حدود ۶۵ هزار واحد مسکونی در استان کیلان و ۲۵ هزار واحد مسکونی در استان زنجان تخریب شده است .

علاوه بر آن معاون وزارت آموزش و پرورش در اواسط تیر اعلام کرد که ۱۷۵۵ مدرسه در استان های فوق الذکر تخریب شده اند و بسه هیچوجه قابل تعمیر و استفاده نیستند .

### اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

در مورد مجموع خسارات وارده نیز آمارهای ضد و نقیضی ارائه شده اما " وزیر کشور " در مصاحبه ۱۰ تیر خود مجموع هزینه بازسازی را رقمی بسیار بیش از ۹۰ میلیارد تومان خوانده و وعده می دهد که در چند روز آینده آمار دقیقی در این رابطه ارائه خواهد شد .

علاوه بر اینها ، زمین لرزه اخیر اثرات جانبی زیان باری نیز بر وضعیت مناطق دیگر و از جمله تهران به جای گذاشته است . مثلاً " در اثر این حادثه ، نیروگاه لوشان از شبکه سراسری برق کشور خارج شده و این امر موجب افزایش ساعات خاموشی در تهران گردیده است . در همین زمینه وزارت نیرو طبق معمول از مردم خواست که در مصرف برق صرفه جویی کنند .

همچنین وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی تأکید کرد که به دنبال وقوع زلزله بهای کالاها به شدت افزایش یافته و در برخی موارد - افزایش بهای کالاها نسبت به قبل از وقوع زمین لرزه متجاوز از ۵۰ درصد بوده است .

#### سطح بالای مبادلات تجاری جمهوری اسلامی و دولت آلمان غربی

اخیراً " منابع بازرگانی آلمان غربی آماری منتشر ساخته اند که بر مبنای آن جمهوری اسلامی پراز دولتهای عربستان و عراق بزرگترین خریدار کالاهای تولیدی آلمان غربی در حوزه خلیج فارس است .

این آمار حاکی از آن است که در سال گذشته کالاهای صادراتی آلمان فدرال به ایران ۲/۱۲ میلیارد دلار و کالاهای وارداتی آن از ایران ۱/۱۸ میلیارد دلار بوده است .

یاد آوری می شود ، دولت آلمان فدرال در طول بیش از یازده سال حاکمیت جمهوری اسلامی همواره یکی از اصلی ترین شرکای تجاری و حامیان اقتصادی جمهوری اسلامی بوده است .

#### خودکشی يك پناهنده

نشریه Rote Fahne مورخ ۱۹ مه ۹۰ خبر می دهد که یک پناهنده ترك به نام مومین كورت (۴۳ ساله) در Leverkusen-Opkuden دست به خودکشی زد .

وی که در اثر ناملايمات گوناگون ، دچار مشکلات روانی شده بود پس از آنکه پناهندهگی اش رد شد ، از ترس بازگشت به ترکیه و مسوود شکنجه و زندان قرار گرفتن ، مبادرت به خودکشی کرد .

به گزارش Rote Fahne ، مومین كورت در سال ۱۹۷۹ به خاطر حمایتش از سازمان Halkin Kurtulus مورد تعقیب پلیس ترکیه قرار گرفت و ناچار از ترکیه فرار نموده و به آلمان غربی عزیمت کرد . در آن زمان تقاضای پناهندهگی وی رد شده و مجبور به بازگشت به ترکیه گردید . در ترکیه چندین بار مورد شکنجه قرار گرفت و زندانی شد . سرانجام وی ناگزیر شد در سال ۱۹۸۶ مجدداً از ترکیه فرار نموده و به آلمان بیاید .

در آلمان تقاضای پناهندهگی کرد و این تقاضا در پاییز ۱۹۸۸ رد گردید . وی این بار از ترس استرداد مجدد به ترکیه و مورد شکنجه قرار گرفتن ، دست به خودکشی زد .

#### خودکشی يك پناهنده

در زمانی که نشریه پویش شماره ۹ آماده چاپ میشد ، با کمال تأسف با خبر شدیم که یکی از پناهندگان سیاسی در هانوفر ، دستمان یونس به سبب مشکلات و فشارهای روانی اقدام به خودکشی کرده و جان خود را از دست داده است . ما این حادثه دردناک را به جامعه پناهندهگی و همه دوستان و نزدیکان وی تسلیت می گوئیم .

سال سوم - شماره ۹/۱/۶۹



### باز هم سیاستهای ضدپناهندهگی UN فاجعه آفرید!

طبق گزارشی که از اسلام آباد بدستمان رسیده ، یکی از پناهندگان بدست تصفیفات وارده از سوی UN کراچی و UN اسلام آباد در مورد مهاجرتش اقدام به اعتصاب غذا و در نهایت خودکشی نمود که منجر به سزاوی شد .

" ملی رضا طویبان " که مدت ۲ سال از اقامتش در پاکستان می گذرد پس از برخورد های غیر مستولانه UN کراچی در امر مهاجرتش چندماه پیش به اسلام آباد رفت تا مگر صدای اعتراضی خود را به مقامات تا لاسرا برساند . پس از آنکه مسئولین UN اسلام آباد در همانند سلف خود در کراچی به خواسته های وی پاسخی ندادند اقدام به تحمس می نمودند . وی بدستور UN توسط پلیس دستگیر و به مدت ۲ ماه زندانی میشود پس از رها می آرزندان UN با وی صاحب کرده که در نتیجه برخورد های تا سلا مستولان آن اداره اقدام به راه کردن پورنده خود می نماید . او به همراه یکی دیگر از پناهندگان در تاریخ ۹/۵/۷۹ در اعتراض به مهاجرت خیمه گرا یا نه و اقلیدانه مسئولین UN اسلام آباد در مقابل امر مهاجرتشان دستبسته اعتصاب غذا زده سه روز بعد اقدام به موفتن لبهای خود می نماید .

۱۵ روز از اعتصاب غذا ی آنان می گذرد که با ردیگر چما ی UN ( پلیس پاکستان ) فراروا نده می شود تا امنیت کارکنان UN را تا حدی نگذرد . مگر نکند این دو پناهنده با چشم بی روی و با دانهای دوفته به کارکنان غربی UN حمله برده و آنها را بفرزند آری این دو موجود خطرناک توسط پلیس مورد ضرب و عتم قرار گرفتند . بازداشت می شوند . در فرارگاه پلیس با زور و کتک دهان دوفته آنها را با زگرده تا مگر فرنی نزنه و افتاد نکند ؟ سپس آنان را با اها ذی رها می سازند . بدنبال عدم اقدام مثبت UN در مقابل حمل مسلح مهاجرتینسا علی رضا در صبح روز ۹/۵/۷۹ در مقابل اداره Y.H.C.A در اسلام آباد واقع در منطقه F10/C در اعتراض به مملکرد های غیر قانونی و ضد پناهندهگی مسئولین UNHCR و Y.H.C.A اقدام به خودکشی می کنند . روز توسط دوستان ابراهیم و عرفان خود به بیمارستان کهلکس انتقال داده می شود . میزان سوختگی علی رض ۳۵۰ بوده و صحت خون ریزی عمده منته نامی از ۱۵ روز اعتصاب غذا و همچنین عدم رسیدگی کافی در تارنایب از قربانیان سیاستهای ضدپناهندهگی UN همچنان ابدی ها ک پاکستان می رود .

اگر همانند عده ای تپی میزواختگان خود فرورفته نیندیم و با بشکونه اعمال و فعا یع را مرتفعیم بیما ربهای روانی و جسمی ز غیر نیندازیم . سبب مستقیم اینگونه فجا یع ، به فرار مسئولین بی کفایت UN بوده و میباید ؟ همسر ، برهمگان روغن است که در نتیجه سیاستهای غیر اصولی و ضدپناهندهگی UN در پاکستان با لای UN کراچی چنین نیامی رخ می دهد . اگر UN با چنین افرادی به خودی توگا نه نینماید گرا یا نه نمی دانت و با همانند همان خود فروختگان بی اخاسی می توانستند تا سسه در یافتی مهاجرتی خود را پس از طلب واقع ندین و پس از مد اکره با UN عو ی کنند . سلما دست به چنین اعمالی نمی زنند . حقیقتا برای پناهندگان و آوارگان آزاد اندیم سرگ بهتر از خود فروختگی می باشد .

خواری پناهندگان و آوارگان ابراهیم ضمن تسلیت به خانواده دوستان نوی بار دیگر سیاستهای غیر اصولی و ضدپناهندهگی UN کراچی که هزاره زندگی قربانی می گیرد را قویا محکوم کرده و سبب این فاجعه را مستقیم مسئولین این اداره می خواند .

تنگ و حفت بر خود فروختگان

اطلاعات فوق توسط دوستان علی رضا

سبب اینگونه فجا یع

از اسلام آباد بدستمان رسیده است

## اخبار ایران، پناهندگان و جهان

### آلمان غربی

وزیر اقتصاد آلمان غربی کارگران آلمان شرقی را به استثمار بیشتر

فرا خواند

روزنامه TAZ مورخ دوم ژوئیه خبر می‌دهد که هلموت هوس، وزیر اقتصاد آلمان غربی، کارگران آلمان شرقی را فرا خوانده است که برای مدت بیشتری به دستمزد پایین‌تر و زمان کار طولانی‌تر نسبت به کارگران آلمان غربی رضایت دهند.

وی همچنین خواستار بستن قرارداد های طویل‌المدت سه تا پنج سال بین کارگران و کارفرمایان شد. خاصیت چنین قراردادهای طویل‌المدتی برای کارفرمایان این است که به کمک آنها می‌توان مدت بیشتری شرایط بدتر کار را ثابت نگه داشت.

خبر فوق پرده از بخش مهمی از نیت سرمایه‌داران آلمان غربی و دولت آنها از اتحاد دو آلمان یعنی تبدیل مردم آلمان شرقی به یک ملت فرودست جهت استثمار هر چه شد بدتر کارگران این کشور بر می‌دارد.

بدین ترتیب مدعیان "دمکراسی" و "ناجیان مردم آلمان شرقی" بتدریج ماهیت واقعی خویش را به گونه‌ای پنهان‌تر نشان می‌دهند و قصد خود مبنی بر به کار کشیدن گسترده‌تر و بی‌رحمانه‌تر کارگران آلمان شرقی و تحمیل شرایط کار دشوارتر به ایشان را آشکارا بیان می‌کنند. ○

### اعتصاب در پرتغال

در تاریخ ۲۵ ژوئن ۲۰۰۰/۰۰۰ کارگر و کارمند پرتغالی در اعتصاب یک روزه‌ای بنام "روز مبارزه" برای حواست ۴۰ ساعت کار در هفته شرکت کردند. در کشور پرتغال ساعات کار هفتگی بطور متوسط ۴۴ تا ۴۵ ساعت می‌باشد. از آن جا که کارمندان بخش دولتی و اداری که از شرایط کاری نسبتاً "بهتری برخوردارند، ۴۲ ساعت در هفته کار می‌کنند، با این ترتیب می‌توان حدس زد که در بسیاری از شاخه‌ها و مراکز اقتصادی می‌بایستی کار هفتگی تساهل ۴۸ ساعت در هفته نیز بالغ گردد. ○ ۱۹۹۰/۶/۲۶

مرکز اطلاعاتی هامبورگ، امکانی برای پناهندگان

مطابق با قانونی که تحت نام "مشاوره برای کمک حقوقی" در سال ۱۹۸۰ به تصویب رسیده است پناهندگان می‌توانند از حق دارا بودن یک مرکز اطلاعاتی رایگان برخوردار باشند.

گرچه این قانون در ده سال پیش به تصویب رسیده، ولی عملاً تا همین اواخر به روی کاغذ باقی مانده بود و پناهندگان از چنین امکانی برخوردار نبودند.

اخیراً "به همت تشکل پناهندگی به نام "Arbeitskreis Asyl" و کمیته پناهندگان خارجی در هامبورگ، چنین مرکز اطلاعاتی سازمان یافته است. این مرکز می‌کوشد تا اطلاعات لازم را در امور پناهندگی و حقوق خارجیان در اختیار همه پناهندگان قرار دهد. در این مرکز امکان ترجمه به زبانهای کردی، ترکی و دیگر زبانها موجود می‌باشد.

این مرکز در صدد است تا با جلب اعتماد پناهندگان، و ارائه دورنمای کلی از چگونگی موقعیت یک پناهنده حالت ترس و وحشت و دودلی را در آنها، جهت تقاضای پناهندگی از میان برداشته و سعی کند با راهنمایی آنان، دلایل محکمی برای پناهندگی ارائه دهد. همچنین این مرکز کمک به مسئله تجدید تقسیم پناهنده‌ها و نیز مواردی که می‌بایستی بر علیه تصمیمات اداری - اقامه دعوا شود را جزء حوزه وظایف و عملکرد خود میدانند و میکوشند تا در این موارد نیز به پناهنده‌ها مساعدت نمایند.

نیاز به چنین مرکزی تا این درجه بالاست که با وجود اینکه هم اکنون از امکانات لازم اداری برخوردار نیست ولی مورد توجه و هجوم بی‌وقفه پناهنده‌ها قرار گرفته است.

تا برای اطلاع نیازمندان آدرس این مرکز و شماره تلفن آن را در زیر می‌آوریم:

آدرس: Beratungsstelle für ausländische Flüchtlinge  
Völckerstraße 14-20  
2000 Hamburg 50  
تلفن: ۳۹۰۰۲۴۵  
تاس ۳ ژوئن ۹۰  
ترجم: رضا ○

## اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

رشد جریانات فاشیستی در سال ۱۹۸۹

در تاریخ ۱۸ ژوئیه " گزارش مربوط به حفاظت از قانون اساسی آلمان غربی در سال ۱۹۸۹ منتشر شد . وزیر کشور شویله بسه معرفی این گزارش پرداخت .  
این گزارش سالانه حاکیست که در سال ۱۹۸۹ گروههای راست افراطی در آلمان غربی رشد شدیدی داشتهاند و تعداد اعضای این گروهها ۲۷ درصد افزایش یافته و بر قریب ۴۰ هزار تن بالغ شده است .

لازم به ذکر است که این ۴۰ هزار تن شامل اعضای گروههایی می گردد که به عنوان مخالفین قانون اساسی شناخته شده اند و حتی رپوبلیکانتر ( جمهوری خواهان ) را که گروهی با تمایلات آشکارا فاشیستی است در بر نمی گیرد .

بر اساس این گزارش تحولات کشورهای شوروی و اروپای شرقی در سال ۱۹۸۹ موجب تضعیف آن دسته از نیروهای سیاسی آلمان غربی که طرفدار شوروی بوده اند ، گردیده اما این تحولات بر سایر نیروهای چپ که طرفدار شوروی نبوده اند ، تاثير چندانی نداشته است .

منبع خبر :

تاتس : ۹۰/۷/۲۰

تاجر میخواهد " خیابانها را تمیز کند " ( نشریه متال - ارگان اتحادیه فلزکاران آلمان )

در لندن ، پایتخت کشور شروتمند انگلستان ۳ هزار بی خانمان وجود دارد که شبها را در زیر آسمان ، و رودیه ، فروشگاههای بزرگ ، زیر پلها و یا در دیگر امکانات عمومی این شهر روز می کنند .

دولت تاجر ، به دلیل اینکه میداند ، وجود این بی خانمانان چشم انداز زشت و اثر منفی بر روی توریستها بر جای می گذارد ، سعی کرده تا این خیل بی خانمان را به بیمارستانهای خالی و کلیساها بکشاند ، و شبها آنها را در این اماکن جا دهد . آن هم بنحوی که به هر کدام از این افراد بیش از ۲ متر مربع فضای خالی تعلق نگیرد . یعنی تنها فضایی که در آن بتوانند ، کیسه خواب کوچکشان را پهن کنند .

یکی از سازمانهای انگلیسی که مددکاری خانمانهاست ، با انتقاد از این طرح ، از دولت خواست به جای این عمل ، خانههایی با کرایههای ارزان قیمت ساخته و به گروههای ساختمان سازی اعتبار داده شود . این سازمان متذکر می شود که در زمان حکومت دولت تاجر تعداد خانههای ارزان قیمت از ۱۰۷۰۰۰ به ۲۹۰۰۰ عدد کاهش یافته است .

ترجمه از : آزاده

تنظیم از : پویش



اعتصاب کارگران بنزبرزیل ( TAZ ) ۲۹ مه ۹۰

در برزیل کارگران کارخانه " بنز شعبه کامپیناس (Kampinas)

از تاریخ ۲۲ ماه مه اعتصابی را با مطالبات زیر آغاز کرده اند :

- افزایش حقوق منطبق با میزان تورم یعنی ۱۵۰ درصد
- ۴۰ ساعت کار در هفته ( اکنون ۴۴ ساعت در هفته کار می کنند ) .
- حق داشتن کمیسیون انتخابی کارخانه

مدیریت کارخانه مرسدس بنز در این شهر نه تنها سرسختانه با این مطالبات مخالفت کرده بلکه اصولاً " از مذاکره با اعتصابیون نیز امتناع ورزیده است .



### اعتصاب

مدهزار نفری در نیکاراگوئه و عقب نشینی دولت چامورو بقیه از صفحه ۱۹ در مورد اعتصاب اخیر در نیکاراگوئه نیز اطلاعات همه جانبه ای در دسترس نبوده است . به عنوان مثال در گزارش فوق در مورد مبارزات و اعتصابات احتمالی کارگران در اتحادیه های مستقل کارگری و همچنین نقش مستقل و خلاق کارگران در این گونه مبارزات خبری درج نشده است .

طبیعتاً " ما از اطلاعات دیگری در این باره که به فهم چگونگی مبارزات کارگری اخیر در نیکاراگوئه یاری رساند ، استقبال می کنیم و از خوانندگان گرامی می خواهیم در صورتی که در این مورد اطلاعات دارند ، در اختیار ما قرار دهند .





نامه های رسیده

نشان می سازیم که جواب آنها توسط مسئول توزیع نشریه داده شده و ما از دوستانمان می خواهیم تا ما را از دریافت این نامه و همچنین نظرشان در آن باره مطلع سازند .

⊙ دوست گرامی ب - ب از ( Erlenbach )، نامه شما به همراه ۱۰ مارک تبریر را دریافت داشتیم . از لطفتان ممنونیم . در خواست شما در مورد ارسال نشریه ها مورد توافق ما می باشد . لطفاً ما را از رسیدن نامه و نشریات ارسالی از طرف کمیته به آدرستان با خبر کنید . در مورد چگونگی حق اشتراک نشریه صدای ما نیز فرم آبونمان را برایتان ارسال کرده ایم .

⊙ دوست گرامی محمد.س. : نامه شما را دریافت کردیم . از لطف شما متشکریم، لطفاً ما را از دریافت نامه و نشریات ارسالی و همچنین چگونگی ارسال حق اشتراک نشریه پویش، با خبر کنید .

⊙ رفقا و دوستان متشکل در کمیته موقت زنان بر علیه اعدام هادر ایران، برلین غربی، متن نامه اعتراضی شما خطاب به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در رابطه با محکومیت اعدام و شرایط خفقان در ایران و ۰۰۰ را دریافت کردیم . ضمن تشکر و قدردانی از عمل شما این متون را در اختیار علاقمندان قرار دادیم . □

نه رونوشت آنرا به ۲۹ سازمان، حزب، گروه، هتل و ۰۰۰ دیگر فرستاده بودید، دریافت کردیم . ضمن تشکر از شما، ما نظر کمیته همبستگی ۰۰۰ را در این باره در پت نامه جداگانه تدوین و آنرا برایتان ارسال داشته ایم .

⊙ از دوست عزیز در بلژیک نامه ای داشته ایم که از ما در ساره حق اشتراک نشریه پویش، چگونگی ارسال آن، و همچنین هزینه پستی نشریه سوالاتی کرده بودند .

دوست گرامی، حق اشتراک با احتساب هزینه پستی برای ۱۲ شماره نشریه، جهت کشور بلژیک ۳۱/۲۰ مارک می شود . که در این میان ۱۹/۲۰ مارک آن را هزینه پستی تشکیل می دهد . در مورد ارسال حق اشتراک نیز شما می توانید آن را به حساب بانکی کمیته ( که همواره در صفحه آخر نشریه ذکر می شود ) واریز کنید و رسید آنرا به آدرس کمیته پست کنید . از توجه و ملاحظات شما سپاسگزاریم .

⊙ از دوستان عزیزمان در سوئد نامه ای داشته ایم، که در آن درباره هزینه سنگین ناشی از واریز نمودن حق اشتراک از سوئد به حساب بانکی کمیته در آلمان، مطالبی را برای ما نوشته اند . ضمن تشکر از دوستان که در این باره ما را آگاه نموده اند، خاطر

فرم اشتراک سالانه

نام:.....

برای اشتراک پویش با آدرس زیر تماس بگیرید :

آدرس:.....

Post lagerkarte

Nr : 053249 C

3000 Hannover 1

W - Germany

شهر:.....

کشور:.....

حق اشتراک سالانه

آلمان غربی، شماره ۱۲: شماره ۱۲: ماری - هزینه پستی برای

شماره ۱۲: ۱۶۰۸۰: ۱۰۴۰۸۱۲:

جمعا: ۲۸۰۸۰ ماری

برای سایر کشورها: ۳۱۰۲۰ ماری با معادل آن.

لطفا تعداد مورد نظر خود را ذکر کنید!

همای اشتراک خود را به حساب بانکی کمیته واریز و رسید آنرا به آدرس ما ارسال کنید!



نامه های رسیده

○ رفقای پناهنده سیاسی نروژ ( در تدارك ایجاد تشکل ) نامه شما را دریافت داشتیم . از اینکه از طریق شما اطلاع یافتیم ، در زمان اقامتان در پاکستان ، در کراچی نشریه پویش مرتباً توسط کتابخانه شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در دسترس شما قرار داشته است ، خرسندیم .

درخواست شما مبنی بر اینکه نشریه پویش را به نروژ ارسال کنیم ، به مورد اجراء گذارده شد . پیشنهاد بسیار جالب شما مبنی بر اینکه نشریه پویش را در اختیار کتابخانه شهرمی نفاذید ، بسیار اصولی و مورد استقبال ماست .

این امر که نشریه پویش را متعلق به خود می دانید و به مطالب آن توجه دارید ، به تلاشهای ما جهت غنا بخشیدن به آن می افزاید ، ما در این باره از شما صمیمانه تشکر و قدردانی می کنیم . در همین رابطه نامه ای از طرف ما به آدرس شما ارسال گردیده است . ما بی صبرانه منتظر نامه های بعدی شما هستیم .

○ فدراسیون پناهندگان در آلمان فدرال و برلین غربی ، خبر نامه شماره ۲ ، شما به دستمان رسید . از لطف شما سپاسگزاریم .  
○ سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی ، مواد ار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ، دعوت نامه شما از کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران برای يك نشست مشترک ۲۵

○ رفقای متشکل در شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی ، پاکستان - کراچی نامه شما به همراه نشریه پیام شورا ۳۵ را دریافت داشتیم ، از لطف شما متشکریم .

جواب نامه شما و همچنین نشریه پویش شماره ۸ ، از طرف ما به آدرس شما ارسال شد . امیدواریم رابطه مان همچنان از عشق و وسعت بیشتری برخوردار شود .

○ رفیق عزیز آزاده ، نامه شما و همچنین ترجمه هایی که برای درج در نشریه پویش فرستاده بودید را دریافت داشتیم . همانگونه که با مطالعه نشریه پویش متوجه شده اید ، ترجمه های شما مورد استفاده قرار می گیرند .

از اینکه نشریه پویش را متعلق به خود می دانید و در غنا بخشیدن بدان کوشائید ، فوق العاده خرسندیم و آرزو مندیم روند همکاریهای شما با پویش مرتباً عمیقتر گردد . ما مجدداً از پرکاری ، همکاری و صمیمیت شما سپاسگزاریم .

○ رفیق عزیزم . ع ( سوئیس ) فتوکپی افشاگرانه ای که از اسناد سفارت جمهوری اسلامی ایران ، برن فرستاده بودید ، به همراه کمک مالی شما را دریافت داشتیم . از لطف و همکاری و همچنین کمک مالی شما کمال سپاسگزاری را داریم . ما جداگانه نامه ای در این رابطه برای شما ارسال داشته ایم . لطفاً از رسیدن آن ما را مطلع سازید .

آدرس تماس :  
Post lagerkarte  
Nr : 053249 C  
3000 Hannover 1  
W - Germany

با پویش  
همکاری کنید

شماره حساب بانکی  
Solidaritaetsverein  
mit iranischen Voelkern  
Stadtsparkasse Hannover  
KTO : 501336  
BLZ : 25050180  
W - Germany

زندگانی سیاسی آزاد باید گردد